



این کتاب از اصلاح آنلاین دانلود شده  
شما می توانید از این سایت به هزاران مقالات اسلامی، تحلیلی، صدها قطعه  
ترانه ها و سخنرانی های اسلامی و کتاب های مختلف را دانلود کنید

## جشنواره نوروز

## از نظرگاه اسلام و تاریخ

نویسنده: دکتر محمد اسماعیل لیبب بلخی

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیشگفتار

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلي  
آله وصحابه ومن اهتدى بهداه وبعد:

به همه پیداست جشن نوروزي که با روز اول ماه حمل  
سال شمسي مصادف است هر سال در بسا از کشورهای  
اسلامي چون افغانستان، ايران وتاجکستان وبرخي  
از کشورهای ديگري آسياي ميانه تجليل وبرگزار مي  
گردد، والبتة کیفیت برگزاري وشمار روزهاي آن  
درکشوري تاکشوري روي رواجهاي ملي و راه و رسم  
قومي وقبيلوي هريک فرق دارد.  
اينکه اين جشن درکشورهاي ديگري غير از افغانستان  
چگونه برگزار مي گردد؟

تفصيل وجزئيات آن از موضوع اين رساله نبوده  
ودرينجا به بسط وتفصيل آن ضرورتي هم احساس نمي  
گردد، ولي آنچه که موضوع اساسي اين رساله را  
تشكيل مي دهد وانچه که ما مي خواهيم از انشاء

و نشر این رساله خوانندگان گرامی را آگاه گردانیم  
اینست:

که این جشن با این عرض و طول و با این شأن و آوازه که  
در افغانستان یک سرزمین اسلامی بنام یک روز ملی  
و به رنگ اسلامی برگزار می گردد اصلاً از اسلام نبوده  
است، مستندات و پیشینه تاریخی اش نشان میدهد که  
هیچ ارتباطی به افغانان و افغانستان نداشته بلکه  
جشنواره زردشتیان و مجوسیان بوده و از اعیاد ملی  
ایرانیان می باشد و نیز برای اینکه حکم شرعی تجلیل  
از همچون جشنهای غیراسلامی آن روشن شده باشد  
ناگزیریم بحثی نسبتاً مفصلي راجع به تجلیل نوروز  
از دیدگاه اسلام در پرتو نصوص از کتاب الله و سنت رسول  
الله صلي الله عليه وسلم ارائه کنیم.

بناءً بحث این رساله بطور عموم به دو بخش تقسیم می  
یابد که بخش اول آن: نو روز از دیدگاه تاریخ، و بخش  
دوم آن نو روز از دیدگاه شریعت اسلامی است که اینک  
به یاری و توفیق الله موضوع را دنبال می کنیم.

## بخش اول نوروز از دیدگاه تاریخ

این بخش شامل مباحث ذیل است:

- ۱- نوروز در افغانستان.
- ۲- برگزاری نوروز در ولایت بلخ و صورت حال آن.
- ۳- بحث کوتاهی پیرامون مزار مزعموم.
- ۴- ریشه لغوی و پیشینه تاریخی نوروز.
- ۵- علل پیدایش نوروز.
- ۶- جشن نوروز در عهد شاهان پیشین.
- ۷- نوروز در بین زردشتیان یزد.
- ۸- نتایج بحثهای گذشته.

### ۱- نوروز در افغانستان:

جشن نوروز در افغانستان در پایتخت کشور و هم در اکثر ولایات همه ساله در روز اول ماه حمل که نخستین روز سال شمسی است طی مراسمی تجلیل و برگزار میگردد.

در کیفیت تجلیل و برگزاری این روز در برخی از ولایات نسبت به دیگری فرقه‌های مشاهده می‌شود؛ بگونه‌ای مثال این روز در کابل و کندز، غزنی و اکثر ولایات شمال به کیفیت نسبتاً مجلل‌تر و با اهمیت‌تر تجلیل می‌شود که در سایر ولایات به چنان کیفیت نمی‌باشد جز در مراکز ولایات از طرف دولت شکل تقلیدی و عنعنوی بی‌داشته از ترتیبات و انتظامات ویژه‌ای برخوردار نمی‌باشد. آنچه از طرف دولت درین روز و بخاطر برگزاری آن رسماً اعلان می‌گردد رخصتی روز اول حمل هرسال و برگزاری محافل حکومتی و رسمی در برخی از دوائر ولایات کشور است، ولی ناگفته نماند که مردم این روز را در کابل بگونه خاصی تجلیل می‌کنند، عده‌ای که بدان رنگ دینی میدهند زن و مرد به قبرستانها و مزارات مشهور بیرون می‌روند، غذاهای خاص تهیه می‌دارند و لباسهای جدید و زینتی می‌پوشند، و عده‌ای هم به سبزه زارها و چمن‌ها به گلگشت و تفریح می‌برایند و مزارات چون شهدای صالحین و کارته‌ای سخی و باغ بالا تجمعگاهی هزارها از مردان و زنان می‌گردد، شأن کندز و غزنی و مزار امام صاحب تقریباً بدین منوال است که بیرقی بنام "جنده علی شاه ولایت مآب" در کارته سخی و امام صاحب و برخی از مزارات دیگر برافراشته می‌شود، و مردم اکثراً به استثنای آنانی که از علم

شرعی برخوردارند جشن نوروز را به یکدیگر مبارکباد گفته و به تبادل تحف و هدایا می پردازند. این فشرده ای از وضعیت نوروز و برگزاری آن در اکثر ولایات افغانستان است ولی به ارتباط بلخ نظر به ویژگیها و جایگاه بخصوص نوروز درین ولایت طی بحث جداگانه به بحث و بررسی می پردازیم.

آ- برگزاری نوروز در ولایت بلخ و صورت حال آن:  
 با فرارسیدن روز اول حمل بیرقی ساخته از پارچه قماشی بنام: "جنده حضرت علی کرم الله وجهه" به جای خاصی که در غرب مرقد مزعوم علی رضی الله عنه تعیین شده است طی مراسم خاص دولتی و ملی برعمود بزرگ و بلند و مستقیمی برا فراشته می شود، همزمان با برافرازی آن توپهای دولتی به رسم احترام به آن جنده به انداخت می پردازند، آنگاه میله گل سرخ و یا جنده بالا که مدت چهل روز را دربرمی گیرد با صدها فساد و نارواینها و بدعات شروع می شود، و درهمین روز زنها بالباسهای فتنه انگیز و با آرایش و پیرایش شیطانی به گشت و گزار به بازارها و پارکهای باغ روضه و سبزه زارها و چمنها و قبرستانها می پردازند، و در بسا از خانواده ها به مناسبت نوروز غذاهای خاصی نوروزی تهیه شده و به خانه های خویشان و دوستان

و آشنایان فرستاده می شود، و همانند مردمان شهر کابل مردم شهر مزار درین روز به خوشحالی ها و ساعت تیری ها می پردازند، در ولایت بلخ مصیبت بارتر از همه آنست که با فرارسیدن نوروز دروازه های فسق و فجور و فساد بیشتر باز میگردد، صحنه های تمثیل با کنسرت های دور از حیاء و مملو از فساد از یکطرف و سینماها با نشان دادن فلم های مبتذل و محرک جنس از طرف دیگر بازارشان را گرم می دارند، نوازندگان و سرایندگان اعم از مرد و زن در هوتل های مهم و مشهور اطراف روضه به افتخار میله ای گل سرخ روزانه پروگرام های غزلخوانی و سرودهای شیطانی دارند که جوانان بیکار و لای اعم از پسران و دختران بازارشان را گرم می سازند. این شمه ای از خراباتی است که دروازه آنرا می بندیم و در آنسو دروازه مناجات (۱) را می گشایم تا ببینیم که در آن محیط وضع از چه قرار است: با فرارسیدن نوروز و بلا شدن جنده مزار مزعوم علی رضی الله عنه که بنام روضه شاه ولایت مآب یاد می شود با تأسف که به مرکز فساد و شرک و بدعات

---

1- در اصطلاح مردم مزار رفتن به سینما و تیاتر و صحنه های تمثیل و نشستن به مجلس موسیقی سرایان و امثال اینها را خرابات و رفتن به مسجد و نماز و زیارت مقابر و امثال آنرا مناجات گویند.

مبدل می گردد، در همین روزهای گل سرخ مردان و زنان زیادی اعم از جوانان و بزرگ سالان به اطراف روضه به طواف می پردازند که آنرا بنام طواف چهل و یک بار یاد می کنند، و بسا از جاهلان و بیخبردان از دین و اسلام به قبر و قفل های دروازه و دیوارهای روضه دست و روی خود را میمالند و درخواست حل مشکلات و قضای حاجات می نمایند، و تلاش می ورزند تا خود را به عمود جنده برسانند و آنرا لمس نمایند، و ازین کارها امید ثواب و رفع درجات و آمرزش سینات دارند و ایشان طوری که مولانا گفته است:

خواجه پندارد که طاعت می کند

بیخبر از معصیت جان می کند

به امید ثواب و نزدیکی به الله خود را در شرک و بدعت اعتقادی واقع می سازند. و بسا اوقات چیزهای را بنام نذر سخی جان به روضه آورده به "ایشانهای" (۱) روضه تقدیم میدارند، اگر چه قضیه نذر به روضه از

<sup>1</sup> - ایشانهای روضه عبارت از عده از مجاوران و آستان نشینان شکم پرست مرقد مزعوم علی کرم الله وجهه اند که با عمامه های سفید و چشمهای طماع و دیده های سوال گرانه در ممرات مرقد و عده ای در یک صف و برخی هم جدا جدا نشسته اند.

ویژگیهای نوروز نبوده و مختص به این روزها نمی باشد ولی با آمدن نوروز و بالا شدن جنده که مردم از اطراف و اکناف به زیارت روضه می آیند در کمیت و کیفیت این نذرها افزایش بعمل می آید، وهم باید یاد آور شد که در داخل عمارت مرقد مزعوم بلکه در اطاق بزرگی پیش از اطاق مرقد در طرف جنوب آن دیگ بزرگی بالای پایه های قرار دارد از روزگاری که یاد دارم تا کنون این دیگ را بنام دیگ روضه یاد می کنند که از مظاهر شرک و خرافات بوده و مردم نذرهای خود را در داخل آن می اندازند و اطفال کوچک خود را برای شفا یابی از زیر آن می گذرانند که این کار نیز در همه ایام سال در جریان است، ولی با فرارسیدن گل سرخ و میله نوروزی در مقدار و کیفیت آن افزایش چشم دیدی بمیان می آید .

آری ! تنها همین چند خرافه و شرک و بدعتی نیست که ما درینجا برشمردیم بلکه آنچه در جشن نوروز و میله گل سرخ و جنده بالا در آنجا بوقوع می پیوندد قلم از تعبیر و ترفیض عاجز است، و نویسنده که از باشندگان این ولایت است درین فرصتی که درنگارش این رساله می پردازم در ساحه و منطقه نیستم ولی همان منظره های گنبدیه خرافی و شرکی که بارها دیده وحس و لمس کرده ام در مخیله ام نقش بسته است. منظره ای را به خاطر

مي آورم که در غرب قبر مزعوم دررواقي مجموعه اي از نابينيان چندين روزپيش از شروع مراسم " جنده بالا" گردهم مي آمدند وبا هم گردهم آورده مي شدند وبه اين فکر وتصور بودند که با برافراشتن جنده در روز اول نوروز بينايي خود را در مي يابند ودر رأس آنان شخص ژولیده موي وناشسته وپرچرکي بنام " ملنگ سخي" قرار داشت که وي در اوقات متعدد بويژه درميان عصر وشام که زمان بيشتري شدن زائران روضه است به ذکر " هو هو" و "يا من هو" وخواندن بيتها و اشعار بي معني ويا فاسد المعني مي پرداخت، وچون ملنگ کلمه ويبيتي را به آواز بلند مي خواند ، نا بينايان گردهم آمده به دنبال آن به صورت دستجمعي وبه آواز بلند آنرا تکرار مي کردند، والبتة همین ملنگ مسئول به ذکر با نابينيان خيراتها ونذرهاي مردمان را نیز به دست مي آورد، وگاهی هم در ايام نوروز بويژه روز اول آن در لحظات که جنده برا فراشته مي شد ناگهان آوازه درميان مردمان به راه مي افتاد که نابينايي به کرامت حضرت علي شفا يافته و بينايي خود را دوباره دريافته است، بعد مردم به سوي او هجوم مي بردند تا براي تبرک چيزي از لباس او را به دست آورند والبتة اينها همه دجل وتلبیس ابليس پيش نيست اگر چه چنين وقايع از لحاظ

وقوع کم و نادر است ولی این عقیده به شکل یک تصور درست نزد اکثر آن مردم وجود دارد، این گوشه ای از صورت حال جشن نوروز در ولایت بلخ است که به صورت بسیار فشرده ارائه شده است.

۳- نظری پیرامون روضه... ( مزار مزعوم )  
پوشیده نیست که در ولایت بلخ مشهدي بنام روضه حضرت علي رضي الله عنه بنا یافته است که برخی ها وجه تسمیه شهر مرکزي ولایت بلخ را به مزار شریف به روی همین سبب قلمداد کرده اند.  
و این روضه عبارت از عمارتی مستحکم و دارای دو گنبد بزرگ و رواقهای متعدد و اطاقهای مختلف است و در میان آن قبری وجود دارد که مردم آنرا بنام مرقد علي بن ابي طالب رضي الله عنه می پندارند و ساحه بزرگی از چهار طرف بنای این شهر را فرا گرفته و در جهت غربی آن مسجد عظیمی بنام مسجد روضه قرار دارد و بیرون از ساحه داخلی روضه - که محاط به دیوارهای پخته و پنجره های آهنی است- باغی قرار دارد که بنام باغی روضه یاد می شود که مساحت بزرگی را احتوا کرده است و درین باغ درختان بید و گل بته ها و چمنزارها و در چهار طرف آن چهار حوض نمایش آب ساخته شده و برای نشست و تفریح و تماشا چوکی های ثابت سمندی

به فاصله هاي معين فراهم ديده شده است که در زيبائي باغ روضه افزوده است باغ روضه از لحاظ موقیعت بصورت قطع در نقطه مرکزي شهر مزار قرار گرفته ومبدأ تقسيم بندي شهر را به شمال وجنوب وغرب وشرق تشکيل داده است ودرمیان اين عمارت قبري بزرگي که بیشتر از یک متر از زمین بلند ساخته شده است قرار دارد که مردم آنرا قبر علي کرم الله وجهه مي پندارند، وآنچه از نوشتن اين بحث مطلوب است اينست که مردم روي اسطوره معتقدند که نعش علي بن ابي طالب بعد از آنکه به عراق به شهادت رسیده به بلخ انتقال داده شده ودر اینجا درهمین مرقد فعلي مدفون گردیده است اين پندار نه از لحاظ تاريخي سند ثابتي قابل باور دارد و نه شرع آنرا مي پذيرد و نه عقل بران گواهي ميدهد حقيقت امر اسطوره بيش نيست که خرافه آن را ساخته وشيعه آنرا بافته است و مردم براي اثبات اين امر به افسانه ها وقصه هاي بي بنياد وداستانهاي بي اساس استدلال مي کنند ومي گویند که سلطان حسين بايقرا خوابي ديده که تابوت علي رضي الله عنه در عراق بالاي شتري گذاشته شده واز آنجا شتر آنرا بدون قافله وقافله کش به بلخ آورده ودرینجا دفن شده است. ببينيد اين وجه استدلال است چه عقلي مي تواند چنین استدلال را بپذيرد و چه نقلي مي تواند آنرا تاييد کند؟؟

وگاهی هم بدین بیت جامی استدلال می کنند:  
 مردم همه گویند علی در نجف است  
 در بلخ بیا ببین چه بیت الشرف است  
 جامی نه عدن گوی نه بین الجبلین  
 خورشید یکی ونور او هر طرف  
 است

و حتی این بیت در قسمت فوقانی رواق پیش روی سمت  
 جنوبی روضه با خط درشت نوشته شده است بیاندیشید  
 آیا برای اثبات یک حقیقت تاریخی امثال چنین گزاره  
 کافی است؟ هرگز!

این مزار مزعوم از یکطرف از لحاظ واقعیت حقیقت  
 ندارد و همانند اکثر مزارها اصل مدفون چیز دیگر وکس  
 دیگر است ولی بنام یکتن از شخصیت‌های ساخته شده  
 مشهور دینی و عرفانی بنام مزار فلان پیر، و فلان شیخ،  
 شهرت یافته است و از طرف دیگر همین مزارمرکز فساد  
 و خرافات گذشته صدها ناروائیها در آنجا صورت می گیرد  
 که می توان به نمونه های ذیل اشاره کرد:

- ۱- استعانت به غیرالله
- ۲- استغاثه از غیرالله
- ۳- خواستن ادای حاجت و حل مشکلات از غیرالله
- ۴- بوسیدن قفل های دروازه بنام تبرک و حل مشکل
- ۵- تقدیم نذر به مزار مزعوم

۶- انداختن نذر به دیگ واقع در آنجا بنام نذر دیگ سخی جان

۷- وکارهای ازین قبیل، وگاهی هم موافقه تن فروشی میان جوانان فاسد و دوشیزگان حیا دریده و آبرو ریخته در همین روضه صورت می گیرد و مع الأسف درین اواخر راپورهای رسیده که روزهای چهارشنبه باغ روضه به کاباره شراب نوشی زنان مبدل شده است،

آیا تابوت علی رضی الله عنه بخاطر شکل گیری این همه فساد و خرافات از عراق بدینجا انتقال یافته است؟! پرسشی است که پا سخش تعجب و حیرت است و هم بالا شدن جنده بنام جنده مولا علی ویا "جنده شاه ولایت مآب" که امروز از کلچر و عنعنه و رسم اجتناب نا پذیر مردم افغانستان شده که توسط مراسم دولتی ویژه برافراشته می شود از کجا نشأت واصل مشروعیت کسب نموده است؟ واینکه جشن نوروز با افراشتن جنده تجلیل می گردد این ارتباط چه مفهومی دارد؟ و مصدر ارتباط دهنده آن چیست؟

وهم اینکه این جنده باید تا چهل روز برا فراشته بوده و میله گل سرخ که صدها فساد و نارواییهای مخالف دین و آئین اسلام را با خود ارمغان می آورد بخاطر چه؟

و چرا همین چهل روز بوده بر آن افزوده و از آن کاسته نمی شود؟

این سؤالها همه بیانگر آنست که قبر علی رضی الله عنه هیچگاه در چنین جایی نبوده و مظهر این همه خرافات و فسادی نیست.

اصلاً موضوع روضه و مزار مزعوم خواستار آنست که رساله بزرگ تحقیقی در موردش نوشته شود امید در آیندهای نه چندان دور یا خود نگارنده این رساله و یا برادر دیگری به چنین کار اقدام نماید و درین رساله از لحاظ ارتباطش به نوروز به همین کلمات چند اکتفا شد.

۴- ریشه لغوی و پیشینه تاریخی نوروز:

قوامیس و فرهنگهای لغت اعم از عربی و عجمی بالاتفاق نوروز را به معنای روز نو معنا کرده اند، صاحب معجم الوسیط و ترتیب قاموس المحيط گفته اند: " نوروز اوالنیروز (بالفارسیة) الیوم الجدید وهو اول یوم من السنة الشمسیة الایرانیة ویوافق الیوم الحادی والعشرین من شهرمارس من السنة المیلادیة و عید النوروز اکبر أعباد القومیة الایرانیة." (۱)

یعنی نوروز یا نیروز به فارسی به معنای روز نو و آن نخستین روز سال شمسی ایرانی است که با روز بیست

ویکم ماه مارچ سال میلادی موافق می آید، وعید نوروز از بزرگترین عیدهای قومی و ملی ایران است. ولغت نامه دهخدا که امروز از مراجع مهم لغوی و فرهنگی به حساب می آید راجع به نوروز به نقل از قاموس ها و فرهنگهای مختلف نوشته است: " (نوروز) روز اول ماه فروردین که رسیدن آفتاب است به نقطه اول حمل و به نقل از رشیدی " می نویسد: ( نوروز) روز اول فروردین که رسیدن آفتاب به برج حمل است و ابتداء بهار است و این را نو روز کوچک و نوروز عامه و نوروز صغیر

گویند و نیز ششم فروردین ماه روز مرداد را نو روز بزرگ و نوروز خاصه گویند و عین مطلب را "جها نگیری" نیز ذکر کرده آنرا به نوروز عامه و خاصه تقسیم کرده است<sup>(۱)</sup>

ابوریحان بیرونی راجع به نوروز گفته است: نو روز کلمه فارسی به معنای روز نو است و به اصطلاح زبان پهلوی ایرانی روز اول ماه سال را نو روز می گویند، و این روز، جشن و تجلیل آن خیلی سابقه تاریخی دور

---

<sup>1</sup> - دهخدا ج: ۴۶ / ص ۱۷۲ حرف نون.

ودرازي دارد که ریشه تاریخي آن به زمانهاي قبل از جمشید بر مي گردد.

بنا بر داستانهاي شاهنامه جمشید پسر طهمورث جشن باستاني نو روز را بنانهاد و رسوم و آئيني را بر قرار ساخته است.

وبرخي نگاشته اند که: نوروز در زمانه هاي پيش در آغاز بهار نبود بلکه در فصول سال بصورت دوراني تغيير مي يافت گاهي به بهار و گاهي به تابستان وزماني هم به زمستان اتفاق مي افتاد و در سال ۴۷۱ هـ عمرخيام و شماری از منجمان ديگر به دستور جلال الدين ملك شاه سلجوقي تقويمی را بنام تقويم جلالی ترتيب دادند و نوروز را در روز اول بهار روز اول برج حمل قرار دادند<sup>(۱)</sup>.

وطوریکه فرهنگ حسن عمید مي نويسد: "نوروز نزد اهل فارس به نوروز عامه و نوروز خاصه تقسيم بود: نوروز عامه همان پنج روز اول از جشن نوروز بود که پادشاهان فارس حاجتها و ضرورتهاي مردم را روا مي کردند و روز ششم را نو روز خاصه يا نوروز بزرگ مي

---

<sup>1</sup> - به اختصار و تصرف از " الآثار الباقية عن الأمم الماضية" تأليف ابو ريحان بيروني.

نامیدند که در آن روز خواص وندیمان خود را می پذیرفتند و به عیش و عشرت می گذرانیدند<sup>(۱)</sup>.  
مؤرخان و فرهنگ نویسان چیزهای زیادی راجع به ریشه لغوی و تاریخی جشن نو روز نوشته اند که حاصل خلاصه و فشرده آنرا ما درین سطور کوتاه گنجاندیم که دیگر نیازی به تفصیل و توضیح بیشتری دیده نمی شود.

#### ۵- علل پیدایش نوروز:

راجع به علل پیدایش نوروز در افسانه های ایرانی بحثهای بس طولانی و دنباله داری آمده که بیشتر آنها همان وزن و ارزش افسانه ای داشته نمیتوان آنها را به حیث یک حقیقت تاریخی پذیرفت، بلکه اکثر آنها اساطیری بیش نیست که اینک ما به ذکر برخی ازین روایات ذیلاً می پردازیم.

برخی گفته اند: این روز، روز پیدایش زردشت است ازین لحاظ مجوسیان آن را به شکل روز عید جشن می گیرند، و بعضی می گویند: مجوسیان این روز را به عنوان روز آغاز آیین مجوسیت تجلیل می نمایند، و عده هم آنرا به آغاز افروختن آتش به آتشکده نوبهار بلخ به

<sup>1</sup> - عمید حسن فرهنگ سه جلدی : ج: ۳ ص: ۲۴۲۴

خاطر عبادت و سجده بردن به آن ارتباط داده اند که به خاطر احترام و بزرگداشت نه روز یا نه و نیم روز جشن می گرفتند. ابوریحان بیرونی راجع به نوروز و علل پیدایش آن گفته است: عید نوروز در هیچ یک از ادیان الهی حیثیت شرعی نداشته بلکه از طرف ملت ایران در زمانه های بسیار قدیم روی او هام و خرافات به شکل رسم و عنعنه درآمده و با مرور زمان و گذار تاریخ افزایشهای عقیدتی و عنعنوی در آن صورت گرفته که بیشتر آن به زمانه های زردشت و جمشید بر می گردد. و هم چنان بیرونی راجع به علل پیدایش نوروز برخی اقوال دیگری را نقل کرده است که اینک به ذکر پاره از آنها با اختصار می پردازیم: "... گفته اند که جمشید برای خود گردونه ساخت و درین روز بر آن سوار شد و جن و شیاطین او را در هوا حمل کردند و به یک روز از کوه " دماوند" بیابل آمد و مردم با دیدن این امر در شگفت آمدند و این روز را عید گرفتند و برای یاد بود آن درتاب می شوند و تاب میخورند<sup>(۱)</sup>.

---

<sup>1</sup> - "زاهدی احمدزی نوروز دمجوسیانو اختر" به نقل از ابو ریحان بیرونی ص ۳۵.

وعده دیگری از ایرانیان گفته اند: جمشید زیاد در شب ها گردش می کرد، و چون خواست به آذر بایجان داخل شود برسریری از زرنشست و مردم به دوش خود آن تخت را می بردند و چون پرتو آفتاب بر آن تخت تابید و مردم آنرا دیدند این روز را عید گرفتند.

البیرونی به ادامه گفتار خویش بعد از نقل اقوال می نویسد: ایرانیان عید نوروز را عید بزرگ گویند و زردشتیان می گویند: درین روز زردشت توفیق یافت که با خداوند مناجات، و کیخسرو درین روز به هوا عروج کرد.

درین روز برای ساکنان کره زمین سعادت را قسمت می کنند، و از اینجا است که ایرانیان این روز را روز امید نام نهادند- و درین روز بود که جم جمشید مقادیر اشیارا استخراج کرد و پادشاهان پس از او این روز را میمون و فرخنده داشتند<sup>(۱)</sup>.

دهخدا راجع به علل پیدایش نو روز می نویسد: بعضی گفته اند: جمشید که اول "جم" نام داشت و عربان او را متوشلخ می گویند سیرعالم کرد و چون به آذربایجان رسید فرمود: تخت مرصعی برهائی بلندی رو بجانب

<sup>1</sup> - الآثار الباقية عن الامم الخالية ص ۳۲۴ - ۳۳۲.

مشرق گذارند و خود تاج مرصعی بر سر نهاده بر آن تخت نشست همین که آفتاب طلوع کرد و پرتوش بر آن تاج و تخت افتاد شعاعی در غایت روشنی پدید آمد مردمان از آن شاد شدند و گفتند: این روز نو است و چون به زبان پهلوی شعاع را شید می گویند این لفظ را برجم افزودند و او را جمشید خواندند و جشن عظیم کردند و از آن روز این رسم پیداشد<sup>(۱)</sup>.

دهخدا در باره جشن نوروز به ادامه نقل اقوال و روایات می نویسد: جشن نو روز یا عید نوروز یا جشن فروردین یا جشن بهار بزرگترین جشن ملی ایرانیان است، ایرانیان قدیم (پیش از عهد ساسانی و به هنگام تدوین بخش اول او ستا) جشن نو روز را ظاهراً در اول بهار هر سال و آغاز برج حمل برپا می داشتند، در دوره ساسانیان موسم این جشن با گردش سال تغیر می کرد و در آغاز فروردین هر سال نبود تا آنکه به فرمان سلطان جلال الدین ملک شاه سلجوقی ترتیب تقویم جلالی نهاده شد، و بر اساس آن موقع جشن نو روزی در بهار هر سال مقترن تحویل آفتاب به برج حمل تثبیت شد و بدین منظور مقرر شد که هر چهار سال یک روز

<sup>1</sup> - لغتنامه دهخدا ج: ۴۶ ص: ۸۷۲ حرف نون.

بر تعداد ایام سال بیفزایند و سال چهارم را ۳۶۶ روز حساب کنند<sup>(۱)</sup>.

#### ۶- جشن نوروز در عهد شاهان پیشین:

قرار نوشته مورخان و اطلاعات تاریخ نویسان از مراسم نو روز در دربار سلاطین هخامنشی و شاهنشاهان اشکانی اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما آنچه از آداب برگزاری جشن نو روز در عهد ساسانیان بدست رسیده است در روایات مورخان کافی مورد بحث قرار گرفته که بصورت اختصار خلاصه آن ازین قرار است:

در پامداد نو روز شاهنشاه جامه ای که معمولاً از برد یمانی بود بر تن می کرد وزینتی بر خود استوار می فرمود و به تنهایی در دربار حاضر می شد، و شخصی که قدم او را به فال نیک می گرفتند بر شاه داخل می شد. خیام گوید: آئین ملوک عجم از گاه کیخسرو تا به روزگار یزدجرد که آخر ملوک عجم بود چنان بوده است که در روز نخست کسی از مردمان بیگانه موبد موبدان پیش ملک آمدی با جام زرین پر می ، وانگشتری و درمی و دیناری خسروانی و یک دسته خوید سبز رسته

<sup>1</sup> - لغت نامه دهخدا ج: ۴۶ - ص ۸۷۲ حرف نون .

وشمشیري وتيرو کمان و دوات و قلم واسپي و غلامي خو پروي ؛ وستايش نمودي ونيایش کردي، او را به زبان پارسي به عبارت ایشان چون موبد موبدان از آفرین بپرداختي پس بزرگان دولت درآمدني و خدمت ها پیش آوردني، آفرین موبد موبدان به عبارت ایشان: « شها، به جشن فروردین، به ماه فروردین، آزادي گزين، به روان و دین کیان، سروش آورد ترا دانائي و بینائي بکار داني ، و دیر زي و باخوي هژير، وشادباش برتخت زرین، وانوشه خور به جام جمشید و رسم نیاکان در همت بلند و نیکو کاري و ورزش و داد و راستي نگاهدار؛ سرت سبز باد و جواني چو خوید، اسپت کامکار و پیروز، و تیغت روشن و کاري به دشمن، و بازت گیرا و خجسته به شکار، و کارت راست چون تیر، وهم کشوري بگیرنو، برتخت بادرم و دینار، به پیشت هنري ودانا گرامي و درم خوار؛ و سرایت آباد و زندگاني بسیار».

چون این بگفتي چاشني کردي و جام به ملک دادی، و خوید در دست دیگر نهادي و دینار و درم در پیش تخت او بنهادي ؛ و بدین آن خواستي که روز نو و سال نو هر چه بزرگان اول دیدار چشم بر آن افکنند تا سال دیگر شادمان و خرم با آن چیزها در کامراني بمانند و آن بر ایشان مبارک گردد، که خرمي و آباداني جهان درین چیز هاست که پیش ملک آوردني .

و در روایت جاحظ آمده است: (هرگاه نوروز به شنبه می افتاد پادشاه امر می کرد که از رئیس یهودیان چهار هزار درهم بستانند و کسی سبب این کار را نمیدانست جز اینکه این رسم بین ملوک جاری شده و مانند جزیه گردیده بود. بیست و پنج روز پیش از نوروز در صحن دارالملک دوازده ستون از خشت خام برپا می شد که برستونی گندم و برستونی جو و برستونی برنج و برستونی باقلی و برستونی کاجیله و برستونی ارزن و برستونی ذرت و برستونی لوبیا و برستونی نخود و برستونی کنجد و برستونی ماش می کاشتند و اینها را نمی چیدند مگر به غنا و ترنم و لهو و در برخی روایات آمده که این حبوب را برای تفاؤل (فال نیک) می کاشتند و گمان می کردند که هر یک از آنها که نیکوتر و بارورتر شود محصول آن در سال فراوان خواهد بود و شاهنشاه به نظر کردن در جو بویژه تبرک می جست<sup>(۱)</sup>).

ابوریحان بیرونی می نویسد: در ایام نوروز نواهایی خاص در خدمت پادشاه نواخته می شد که مختص همان ایام بوده و در بامداد نوروز مردم به یکدیگر آب می پاشیدند و همچنین در شب نو روز آتش بر می افروختند

<sup>۱</sup> - المحاسن والأضداد ص ۲۴۳ ولغت نامه دهخدا: ۴۶ / ۸۷۳ .

ونخستين كسيكه اين رسم را نهاد هرمزد شجاع پسر شاپور پسر اردشیربایکان است<sup>(۱)</sup>. جرجي زیدان به ارتباط پشینه تاریخی جشن نوروز می نویسد: نخستین خلفای اسلامی به نوروز اعتنایی نداشتند ولی بعدها خلفای اموی برای افزودن درآمد خود هدایای نوروز را از نو معمول داشتند بنی امیه هدیه در عید نوروز را بر مردم ایران تحمیل می کردند<sup>(۲)</sup>. دهخدا به نقل از " بلوغ الأرب " می نویسد: نخستین کسیکه در اسلام هدایای نوروز و مهرگان را رواج داد حجاج بن یوسف بود ولی بعدها این رسم از طرف عمر بن عبدالعزیز منسوخ گردید، ولی در تمام این مدت ایرانیان مراسم جشن نوروز را بر پا می داشتند. با مراجعه به تواریخ معتبر و روایات معتمد بر می آید که برپا داری و تجلیل نوروز در تاریخ اسلام بویژه در قرون اولی (خیرالقرون) بصورت یک سنت اسلامی اصلاً وجود نداشته و هیچگاه بگونه عیدی تجلیل نگردیده و اگر سخنی را که جرجي زیدان نقل نموده است به صحت برسد تنها این نکته بدست می آید که در زمان برخی از خلفای اموی به شکل توافق

1- الآثار الباقية ص ۲۱۸ و بلوغ الأرب ج ۱- ص ۳۸۶  
 2- تاریخ تمدن اسلامی: جرجي زیدان ج ۲ ص ۲۲ .

قسمتاً سياسي با رسم و رواج ملي ايران زمين به پرداخت هديه و تحفه اجازه داده شده بوده كه بعد ها عمر بن عبدالعزيز آنرا ممنوع قرار داده است. (۱)

اين مضمون از سايت انترنيتي بي بي سي گرفته شده و روي ارتباطش با موضوع با حذف برخي از فقرات نقل گرديده است.

B.B.C PERSIAN COM ۲۴:۱۹ گرینویچ شنبه ۰۱  
آوریل ۲۰۰۶ علي عطار

نوروز در بين زرتشتيان يزد:

شايد زرتشتيان در طول تاريخ بيشتريين كوشش را براي نگهداري جشن نوروز كه بخشهاي از آن به آيين هاي ديني آنان تعلق دارد داشته اند. با وجود اين امروز آيين هاي نوروزي در روستاهاي مختلف زرتشتي نشين متفاوت است.

روشن كردن آتش در سپيده دم نوروز، يكي از قديم ترين آيين هاي نوروز ايران باستان ، امروزه در قاسم آباد يزد برگزار ميشود. در تاريخي سپيده دم صبح نوروز

۱- بلوغ الارب ج : ص : ۳۷۸ و دهخدا ج : ۸۷۴ .

روز ، خانه هاي قديمي محله قاسم آباد يزد يكي بعد از ديگر روشن مي شوند.

هر خانواده و در پيشاپيش آنان زنان، سبزه، ظرفي پر از آب، يك سيني ميوه كه " ودرين" ناميده ميشود، گلداني از مورد وشمشاد، مجمر آتش ويك چراغ روغني به بالاي بام مي برند و در کنار هيضم هاي از قبل آماده شده مي گذارند. حدود ساعت پنج صبح سپيدي كلاه مردان زرتشتي در جرقه هاي آتش نمايان مي شود. همزمان با بر افروختن آتش آهنگهاي نوروزي كه از بلند گو پخش مي شود، سكوت قاسم آباد را مي شكند. كيخسرو ماوندادي يكي از ساكنين محله قاسم آباد دليل آتش افروزي بر بام ها را توضيح مي دهد. او بياد مي آورد كه در گذشته اجرائي اين مراسم با موسيقي زنده همراه بوده است:

" آتشي كه در سپيده دم اور مزد برابر با اول فروردين بر روي بام افروخته مي شود يك سنت كهن ايراني است كه در روستاهاي زرتشتي نشين باقي مانده است. ما براي باور هستيم كه ده روز مانده به عيد نوروز كه پنجه كوچك آغاز مي شود، با آتش افروزي روان در گذشتگان را به خانه هايمان پذيرا مي شويم. در پايان سال هم با آتش يعني با نور وگرما آنها را بدرقه مي كنيم و آب پشت سرشان مي ريزيم."

" در آن زمانها پير مردها- که روانشان شاد باشد، خدا بيمارز شدند- در پشت بام خانه ها به صورت پراکنده با ساز و دف و آواز اين مراسم را برگزار مي کردند. بيد مي آورم در آن زمان ما خيلي دوست داشتيم که نيمه شب از خواب بيدار شويم و صدای گرم آنها را با صدای دف، ساز و سرنا بصورت زنده بشنويم، اما امروز چون آنها ديگر زنده نيستند، ما اين موسيقي را به حالت نوار در آورديم و اين همان صدای سازي است که در صدا و سيما هم پخش مي شود. هدف زنده نگه داشتن اين سنت است."

زرتشتيان معتقدند که روان يا به گفته آنان فروهر نياکان در گذشته از ده روز پيش از نوروز به بيدار خانه و کاشانه پيشين خود مي آيند و در صبح سال نو به محل اوليه خود باز مي گردند.

آنها باور دارند عطر ميوه هايي که پاره مي شوند، و بوي خوش اسپند و کندر که از آتش متصاعد مي شود، همراه با زمزمه اوستا، روان نياکان را که در حال ترک خانه خود هستند شاد مي کند.

وقتي سپيده صبح مي دمد، صدای بلند گو خاموش مي شود و شعله هاي آتش فرومي نشيند، بخش آئيني- ديني مراسم نو روز زرتشتيان در قاسم آباد يزد پايان مي يابد

وهر خانواده باقیمانده آتش خود را به آتشکده محله که به آن درب مهر می گویند، می برد. در کوچه های قاسم آباد بر سر در هر خانه زرتشتی نشین شاخه ای سبز از درخت سرو یا شمشاد آویخته اند. علاوه بر آن در جلوی در خانه ها سنجد و آویشن میریزند. آدابی که کیخسرو ماوندادی بامهمان نوازی دید و بازدید روزهای نو روز مرتبط می داند و می گوید: " بعد از اینکه سال نو تحویل شد و روز اورمزد و فروردین ماه آغاز شد رسم بر این هست که در بالای سردرگاه هر خانه ای که در آن زندگی وجود دارد یک سبزه یعنی مورد، سرو یا شمشاد را نصب می کنند. در پاشنه در خانه آویشن و سنجد می ریزند که نشانه عشق و دوستی هست و بدون اینکه کسی با شما سخنی بگوید بازبان بی زبانی به شما خوش آمد گفته می شود." آتش افروزی بر بام خانه های قاسم آباد با تقویم دینی زرتشتیان ارتباط دارد. با وجود این، آیین امروز مزکور در همه روستاهای زرتشتی نشین اجرا نمی شود. زمان بازگشت روان نیاکان به خانه خود در طول تاریخ پر فراز و نشیب زرتشتیان تغییر کرده است. در برخی مناطق آتش افروزی بر بام خانه ها نه در ایام نو روز بلکه در اواسط تابستان انجام می شود.

دکتر کتایون مزداپور، پژوهشگر و استاد دانشگاه علت این تفاوت زمانی را در گاهشماری های گوناگون می داند: " روز نو روز که مطابق با تقویم قدیمی در حال حاضر در اوایل تابستان است را نو روز مردگان می گفتند. نو روز قدیمی که الان هم در اوایل تابستان جشن گرفته می شود در هند نیز وجود دارد. بیاد دارم که پدر بزرگ ما همیشه در زمان این نو روز برای بزرگداشت درگذشتگان به دخمه می رفت و چیزهایی مثل میوه را همراه خود می برد و به زمین می زد تا بوی آنها متصاعد شود. این نو روز برای مردگان بود اما نو روز اول فروردین نو روز فصلی و برای زنده ها بود. در واقع دو جنبه دینی و جنبه ملی را از هم جدا کرده بودند و الان تقریباً دوباره باهم یکی شده است. در بعضی مناطق اعتقاد به اهمیت دینی دارند و فقط اهمیت آئینی صرف نیست. مثلاً در تفت در تابستان در نو روز آتش روشن می کنند و همانطور مراسم قدیم را نگه داشته اند. در حقیقت در جامعه زرتشتی یک تلفیق بین آئین ملی و آیین دینی هست که اینها را به هم انطباق می دهد. "

محلّه باغ خندان تفت از جمله مناطق زرتشتی نشینی است که بافت قدیمی خود را همچنان حفظ کرده است. مراسم پیشواز فروهر ها و مراسم جشن نو روز در این روستا با قاسم آباد تفاوت دارد.

اگر چه آتش افروزي بر بام خانه هاي اين محل در روز نو روز اجرا نمي شود، اما برگزاري مراسم پنجه کوچک و پنجه بزرگ که از ده روز قبل از نو روز آغاز مي شود، معمول است.

روزهاي پنجه بر اساس اندرزيهاي ديني از يك سوزمان بازگشت فروهر درگذشتگان براي ديدار از بستگان خویش است، از سوي ديگر بر پايه منابع اساطيري و باورهاي مردمی، آفرينش انسان در روز اورمزد يعني اولين روز سال نو به پايان مي رسد.

در اين روزها در بسياري از خانه هاي زرتشتي مراسم گهنبار، يك نوع مراسم آييني که شبیه خيرات است انجام مي شود. در گهنبار موبدان آجيل خشک يا لرك و هفت ميوه را با خواندن اوستا تقدیس و سپس بين مردم تقسيم مي کنند.

در روزهاي پنجه و نوروز، زرتشتيان تفت در جلوي خانه هاي خود گل سفيد مي پاشند که به معني باز بودن در خانه به روي مهمان است. اين سنت در کشورهاي آسياي ميانه به اين صورت باقي مانده که در روز هاي پيش از نو روز کنده درختان را سفيد مي کنند.

در مراسم " ميله گل سرخ " در مزار شريف، هفت ميوه خشک در آب ريخته مي شود و در روز نو روز بر سفره نو روزي قرار داده مي شود.

بوی خوش و تمیز کردن خانه از دیگر سنت هایی است که برای استقبال از اجداد و نیاکان در ایام پنجه به آن توجه شده است. آنطور که رستم کاوسیان می گوید، خانه و کاشانه کثیف باعث آزدگی روان فروهر درگذشتگان می شود:

" ما زرتشتیان به اورمزد و فروردین ماه که جشن تازه شدن طبیعت است بسیار اهمیت می دهیم و آن را بسیار نیکو می شماریم. در پیشاپیش آن خانه تکانی هائی انجام می دهیم و معتقدیم تمام زندگی ما باید پاک باشد. در شب عید حتما خانه تکانی باید انجام شود و اگر کینه و عداوتی داریم باید حل کنیم".

عید دیدنی ساکنین باغ خندان در اولین روز از سال نو به شکلی خاص انجام می شود. در آغاز آنها دسته جمعی به درب مهر محل زندگی خود می روند و درکنار آتش، به نیایش و اوستا خوانی می پردازند. پس از آن دیدار دسته جمعی از خانه ها آغاز می شود.

اولین دیدار نو روزی از خانواده ای شروع می شود که در سال قبل در گذشته ای داشته است. این مراسم که نو عید نامیده می شود، در سکوت برگزار می گردد. بر روی سفره نو روزی که مهمانان گرداگرد آن می نشینند، عکس در گذشته معمولا در کنار سبزه نوروزی قرار دارد. پرویز ورجاوند پژوهشگر فرهنگ زرتشتیان

می گوید مراسم نو عید حضور نمادین شخص در گذشته در مراسم نوروزی است:

" باز دید از خانه کسی که در گذشته ای دارد برای سوگواری نیست. همانطور که در تصوف ایرانی مسند شیخ یا پیر در جمع وجود دارد، در مراسم نو روزی هم وقتی یک نفر از خانواده ای درگذشت، به دیدن او می رویم یعنی او روحاً حضور دارد و چون در گذشته و بازگشته، مهمان عزیز ما است. ابتدا به خانه او و برای دیدنی او می رویم؛ نه بخاطر سوگواری و تسلی بازماندگان، بلکه حضور او را همان ادامه زندگی قبلی او می دانیم."

پس از برگزاری مراسم نو عید، زرتشتیان با شادی و پایکوبی و نواختن ساز ضربی دایره مانند مخصوص خود که آنرا عربانه می نامند، به دید و بازدید خویشان و آشنایان می روند.

میزبان که پیشاپیش میز نو روزی را با شیرینی های مخصوص و شربت و چای برای پذیرایی آماده کرده است، در ابتدا برای مهمانان خود آینه و گلاب می گیرد. سپس پذیرایی با خوردن نقل آغاز می شود و همزمان ساز و آواز و پایکوبی ادامه می یابد.

یکی از شیرینی های مخصوصی که زرتشتیان حتماً برخوان نوروزی خود می گذارند کماج است. کماج

شیرینی کیک مانندی است که به شیوه سنتی تهیه می شود. ماهدخت فروهر آن را از مهمترین شیرینی های لازم برای این روزها می داند:

"کماج نوروزی از آرد گندم، قدری گلاب، هل و دارچین، تخم مرغ و شکر درست می شود. اینها را با هم قاطی می کنیم، بعد روغن را درکماجدان داغ می کنیم و خمیر را در آن می ریزیم و مغز پسته و بادام و گردو و کنجد روی آن می ریزیم. این کماج شیرین و کماج نوروزی، یک رسم قدیمی ست. نان هم می پزیم، مادرهرخانه ای اگر نان هم نپزند. پخت کماج برایشان واجب است. دم سال تحویل کماج باید باشد.

خوان نوروزی زرتشتیان در طول تاریخ تغییر کرده است. گذاشتن اوستا و تصویر زرتشت بر سفره نوروزی اهالی باغ خندان، از تفاوت های عمده آن با سفره هفت سین دیگر اقوام ایرانی است. پرویز ورجاوند این سفره را در ارتباط با خوان مقدسی می داند که در ایران قدیم "میزد" نامیده می شده و کلمه میز به فارسی امروز از آن گرفته شده است. برای او تقدس نوروز در عدد هفت و لحظه تغییر سال است.

" هفت سین در واقع در مرحله او میزدی هست که در زمان خاص گسترده می شود، و فامیل دور آن جمع می شوند تا برکت لحظه مقدس و گردش سال را دریافت کنند.

هفت علامت از هفت امشاسپند بر سفره گذاشته می شود که این علامت ها در طول زمان تغییر کرده است. زمانی هفت چین یعنی هفت میوه ای که می چیدند بوده است و یا هفت شین یعنی شیر، شکر، شایه- سبزه ای که سبز می کنند را فارسی به آن شایه می گویند و شمشاد و البته شرابی را که بر سر خوان نو روزی هست. این شراب ها را اکثراً در جام رودین می خورند که اسم درگذشته ای در آن حک شده است و وقتی می خورند یادی از آن شخص می کنند".

دید و بازدید های نو روزی زرتشتیان در روزهای نو روز به روستاها و شهر های دورتر ادامه می یابد. اما روز ششم فروردین یکی از مهمترین روزهای مذهبی آنان و روز تولد زرتشت و یا بقولی نو روز بزرگ است. زرتشتیان این روز را با گرد همایی های گسترده و برنامه های سخنرانی و هنری در هر منطقه جشن می گیرند.

در این روز بسیاری از زرتشتیانی که سالها از زادگاه خود دور بوده اند به شهر و دیار خود باز گشته و در این جشن شرکت می کنند. جوانان با اجرای شعر و سرود و نمایشنامه های مذهبی- سنتی در تهیه و تدارک این جشن نقش مهمی ایفا می کنند.

بنظر مي رسد که جشن سيزده همين روز فروردين ويا سيزده بدر ارتباطي با باورهاي آييني زرتشتيان ندارد. امروز زرتشتيان تفت نيز مانند ديگر ايرانيان اين روز را در طبيعت به سر مي برند. ماهدخت فرو هر مي گويد که زرتشتيان گاهي نيز در اين روز آشي به نام آش پس پائي نو روز مي پزند.

کامران فروهر معتقد است که سيزده نو روز بين زرتشتيان تفت نه تنها نحس نمي دانيم، آنرا عزيز مي دانيم".

اما دکتر کتايون مزداپور مي گويد که اعتقاد به نحسيت و ناخجسته بودن سيزده نو روز در بين زرتشتيان نيز وجود داشته و ريشه تاريخي دارد. او اضافه مي کند: " سابقه سيزده بدر را تا بابل مي توانيم دنبال کنيم که دوازده روز را جشن مي گرفتند به نشان دوازده ماه سال و روز سيزدهم در حقيقت پايان جشن بوده که روز آشفنگي و به هم ريختن همه چيز هست و جشن تمام مي شود. عدد سيزده نحس است و کلاهمان است که در جامعه اکثريت ايران هم وجود دارد".

اگر چه زرتشتيان در حفظ و تداوم برگزاري مراسم نوروز نقش مهمي داشته اند اما در اوستا، به نوروز و آئين هاي نو روزي اشاره اي نشده است.

از این رو می توان گفت که نو روز قدامتی بیش از دین زرتشت دارد چنانکه دکتر کتایون مزداپور می گوید:  
 " به نظرم قدیمی ترین جایی که اسم از نو روز آمده کتاب نیرگستان است که البته هم پهلوی است و مقداری هم اوستا دارد، اما در خود اوستا اسم نو روز نیامده ولی فروهر ها که با نو روز ارتباط دارند، یک یشت فروردین یشت فروهر هاست".

جشن نوروز زرتشتیان چون نوروز دیگر مناطق ایران در طول تاریخ همواره دست خوش تغییر و تحول بوده است. امروزه در تفت مراسم چهارشنبه سوری که به نظر نمی رسد جزو آداب محلی باشد، برگزار می شود. از سوی دیگر مردم می گویند که بعضی از سنن آنان چون نو روز خوانی از بین رفته است. سنتی که در بعضی مناطق مثلا در کوههای البرز و در اطراف گرگان هنوز یافت می شود.

نو روز خوانی تنها سنتی نیست که در بین زرتشتیان و دیگر ایرانی ها مشترک است. بسیاری از آداب نو روزی که در بین زرتشتیان این یا آن روستا وجود دارد به شکلی تغییر یافته در حوزه جغرافیایی نو روز که از شرق عراق تا غرب هند و از خلیج فارس تا قزاقستان و گرجستان گسترده است، یافت می شود. کورش نیکنام پژوهشگر آداب و رسوم زرتشتیان باور به بازگشت

فروهر نیاکان در روزهای نو روز را با رفتن به گورستان در این ایام مقایسه می کند. سنتی که در تاجیکستان و آذربایجان تا امروز از آداب جدانشدنی نو روزی هستند: " به مناسبت های مختلف جامعه اسلامی ایرانی به مزار درگذشتگان می روند و در آنجا شمع روشن می کنند. روشنائی ایجاد کردن یعنی درخواست از روان فروهر درگذشتگان که به زندگی آنها سری بزند. ما آمدن نو روز را با آتش روشن کردن به استقبال فروهر درگذشتگان می رویم و بعد روز اول نو روز، باز با آتش روشن کردن به بدرقه آنها می نشینیم. همین آتش روشن کردن را مسلمان ایرانی امروزه برای مزار درگذشتگان شان انجام می دهند".

من فکر می کنم نو روز به دلیل برجسته بودنش به عنوان یک جشن ایرانی باوری است که ایرانیان نسبت به دنیا مینوی، یعنی جهان پس از مرگ داشتند. چون این جشن، جشن آفرینش انسان هم هست، آمدن فروهر و روان درگذشتگان به سوی زمین هم هست. و ایرانیان خانه تکانی می کنند و یک زندگی نو را به خود می گیرند به دلیل این که در باور سنتی شان این ها از روان فروهر درگذشتگان پاسداری می کنند و میزبان مهمان های ارزشمندی هستند. به همین دلیل است که این جشن

تا به امروز مانده و هر قوم و ملتی که به ایران آمده این جشن را پذیرفته و در واقع پاس می دارد".

اما ارتباط مستقیم نو روز با طبیعت، تغییرات جوی و ستاره شناسی در این زمان، رهایی از شب های سرد و بلند زمستان، برابری شب و روز و شروع فصل کشاورزی دلایل دیگری هستند که دوام نو روز در طول تاریخ را ممکن ساخته اند.

بدین ترتیب جشن نو روز با وجود تغییرات اعتقادی و اجتماعی در منطقه، همچنان در خاطره فرهنگی اقوام ایرانی باقی مانده است. برای زرتشتیان ایران نو روز یکی از مهمترین آیین های دینی و ملی است. امروز شاید در تمام کشور هایی که در آنها نو روز برگزار می شود هیچ عنصر فرهنگی دیگری تا به این اندازه قادر به معرفی هویت کهن ایرانی آنان نباشد.

#### ۷- نتایج بحثهای گذشته:

از آنچه در مباحث گذشته ذکر بعمل آوردیم نتایج ذیل بدست می آید:

۱- این روز بنام جشن نو روز هر سال در افغانستان هم در سطح حکومت و هم در سطح ملت به شکل یک روز مهم و میمون و مبارک تجلیل و برگزار می

گردد که تجلیل آن ده ها و صدها انواع خرافات و بدعات را با خود دارد.

۲- برگزاری این روز در بلخ نسبت به ولایات دیگر افغانستان از ویژگیها و خصوصیات برخوردار بوده و همزمان با برپاداری این جشن که جنده مولاعلی برا فراشته و میله گل سرخ آغاز می یابد بازار هزاران مفسد ودجال و خرافه فروش و گزافه کار گرم و صدها منکر و ناروایی خلاف شرع و دین جامه عمل می پوشد.

۳- جشن نوروز از جشنهای قومی و ملی ایرانیان قبل از اسلام بوده که تاریخ آنرا مؤرخان به روزگاران جمشید و قبل از آن نسبت داده اند.

۴- داستانهای بس عجیب و غریبی راجع به علل پیدایش نوروز ذکر کرده اند که از لحاظ تحقیق علمی و بررسی سند نمیتوان آنها ویا اکثر آنها را باور کرد و اکثر این داستانها و روایات قیمت بیشتر از افسانه های اسطوری ندارند.

۵- جشن نوروز از اعیاد و جشن های اسلامی نبوده و ارتباطی به اسلام نداشته بلکه سراسر باهمه کیف و کمش در مخالفت با اسلام و تعلیمات ارجدارش قرار دارد.

- ۶- وهم این روز از روزهای قابل افتخار و مردم افغانستان نبوده و هیچ سند تاریخی حتی روایت افسانه‌ی وجود ندارد که ارتباط آنرا به ملت افغان ثابت سازد.
- ۷- نو روز دربین زردشتیان یزد نیز از اهمیت زیادی بر خورد بوده و آنان بخشهای زیادی از جشن نو روزی را به آیین‌های دینی خویش متعلق میداده‌اند.
- ۸- جشن نو روز زردشتیان چون نو روز دیگر مناطق ایران همواره در طول تاریخ دست خوش تغییر و تحول بوده است.
- ۹- از زمانه‌های طولانی بدین سو آداب و عاداتی گوناگون و مختلف به مناسبت جشن نو روزی همزمان با فرارسیدن آن درمیان ایرانیان زردشت و غیر زردشت رواج داشته است.
- ۱۰- وهم باید گفت که ارتباط مستقیم نو روز با طبیعت، تغییرات جوی، رهایی از شب‌های دور دراز زمستان، برابری شب و روز در دوام نو روز و ارزش بخشیدن به آن بی‌اثر نبوده است.

**بخش دوم**

نوروز و یا تجلیل نوروز از دیدگاه اسلام

و این بخش شامل مباحث ذیل است:

- ۱- تمهید
- ۲- اعیاد مسلمانان و جشنهای آنان
- ۳- حکم برگزاری اعیاد غیرمسلمانان از طرف مسلمانان
- ۴- انواع اعمال کافران
- ۵- نتیجه مطلب فوق
- ۶- دلیلی از قرآن کریم به حرمت برگزاری اعیاد کافران
- ۷- دلایل از سنت درین مورد
- ۸- آثاری از صحابه و سلف راجع به مخالفت مشرکان در اعیاد و جشنهای شان
- ۹- اقوال فقها و علماء راجع به تجلیل نوروز
- ۱۰- خاتمه.

### تمهید

اسلام چنان دین کاملی است که در همه ابعادش: در بعد عبادات و بعد اعتقادات، قضایای اخلاق و آداب و رسوم و عاداتش دارای هویت مشخص و مخصوص خود است، این آئین سعادت بخش یک منظومه کاملی است که همه مسائل متعلق و مربوط پیروانش را با دساتیر و فرامین روشن و قاطعش نظم و ترتیب بخشیده و پاسخگویی همه نیازمندیهای مسلمانان است، و چون این آئین فطرت از جانب ذات فرزانه دانا و آگاه برای بشریت بحیث آخرین دین و ناسخ ادیان دیگر برگزیده شده است، بناءً در همه ابعادش کمال و در همه قضایا و مسائل آن شمول رعایت گردیده و بحیث دین کامل و آئین شامل و تمام برای بشریت ارسال شده است، از یمن و در هیچ قضیه از قضایا و حکمی از احکامش نیاز به پینه و پساوند و مکملی ندارد.

در بعد عقیده: همه قضایای عقیدتی که شناخت آن بر هر مسلمان واجب است در نصوص قرآن و حدیث به شرح و تفصیل بحث شده احکام عبادات، معاملات، احوال شخصی و حتی قضایای تجاری و بازرگانی و روابط انسانی و بین المللی نیز در ارشادات و توجیهاات این دین به تفصیل بیان گردیده است.

خلاصه اینکه این دین همه امور مربوط به فرد مسلمان و جامعه اسلامی را در یک چوکات منظم و منسجمی تنظیم و ترتیب داده که صلاح و مصلحت دنیوی و اخروی او را در بردارد لذا هیچ فرد مسلمان حق ندارد که کاری را انجام دهد که انچه ویا کمتر از آن بیرون ازین حدود و چوکات بوده باشد، این حدود و چوکات همان محدوده فکری و نظری، عملی و تطبیقی است که تعالیم تا بناک اسلام آنرا ترسیم و تعیین کرده است، بدین اساس جشنهای مسلمانان معین و اعیاد آنان همانند سایر امورات شان از طرف اسلام معین و مشخص شده است. به همین سلسله طرز عبادت مسلمانان، شیوه زندگی و برخوردشان، گونه لباس و صورت شان و حتی شیوه خورد و نوش و قضایای کوچکتر از آن را اسلام به صیغه و عبارت خودش تعبیر و به صیغه بخصوص خودش رنگ داده و به پیروانش مشروع قرار داده است، مسئله جشن گرفتن و عید قرار دادن روزی را برای مسلمانان، اسلام تعیین کرده و به مسلمانان دستور داده که روزهای جشن شان کدام و ایام عیدشان چه وقت و کدام روز و در کدام ماه و در سال چند بار می باشد. و بعد ازین مقدمه مختصر راجع به روزهای عید مسلمانان که از طرف اسلام شروع شده است در مباحث ذیل به صورت تفصیلی به یاری الله متعال می پردازیم.

۲- اعیاد مسلمانان و جشن های شان  
 مسلمانان در سالی دو عید و در هفته یک روز عید  
 «روزجمعه» را دارند و اسلام عزیز اگر از یکطرف  
 مسلمانان را از مشارکت و همانندی با اعیاد کافران  
 و مشرکان منع فرموده از طرف دیگر بالمقابل روزهایی  
 را برای عید و جشن داری و برخی از بازیهای مشروع،  
 تعیین و مشخص ساخته است طوری که در حدیث ذیل آمده  
 است:

عن انس قدم النبي صلي الله عليه وسلم المدينة  
 ولهم يومان يلعبون فيهما، فقال صلي الله عليه  
 وسلم ما هذان اليومان؟ قالوا: كنا نلعب في  
 الجاهلية فيهما فقال رسول الله صلي الله عليه  
 وسلم: "إن الله قد أبدلكم بهما خيراً منهما: يوم  
 الأضحى ويوم الفطر" (۱)

ترجمه: از انس رضي الله عنه روایت است هنگامی که  
 رسول الله صلي الله عليه وسلم به مدینه تشریف فرما  
 شدند مردم مدینه دو روزی داشتند که در آنها به بازی

<sup>1</sup> - ابو داود و نسائی به سند صحیح آورده اند .

وسرگرمیها می پرداختند، رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدند " اینها چه روزهایی هستند {که آنها را جشن می گیرید}؟ مردم گفتند: ما در روزگار جاهلیت درین روزها به بازی می پرداختیم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: همانا الله تعالی به جای آنها روزهای بهتر از آنها را به شما ارزانی کرده که روز عید قربان و روز عید فطر است.

برگزاری عید و تجلیل جشن ها از امور فطری بوده با فطرت و سرشت انسانی سرشته است، انسانها بصورت عموم دوست دارند که مناسباتی داشته که به وسیله آنها از گذشته های خویش یاد آور شده مفاخر ملی و دینی و مذهبی خود را یاد آورند و البته جشنها و اعیاد ملتهای کفری وابسته و مرتبط به قضایای دنیوی چون تشکیل دولت و یا سقوط آن ، تعیین زمامدار و تاجگذاری بر آن ، مراسم ازدواج و یا حلول فصل بهار و امثال اینها است.

یهودیان نیز جشنهای خاص خود را دارند و نصرانیها را هم جشنهایی است. از اعیاد نصرانیان عید روز پنجمینبه است که آنرا برگزار می کنند و می پندارند مانده که بر عیسی علیه السلام نازل می شده در همین روز بوده است، و هم از اعیاد نصرانیها عید میلاد مسیح و عید آغاز سال (کرسمس) و عید شکر و عید عطا و غیره است که آنان این اعیاد را در همه کشورهای اروپایی و امریکا

و کشورهای دیگری که نصرانیها در آنجا وجود دارند جشن می گیرند. متأسفانه برخی از آنهایی که به اسلام منسوبند جاهلانه و یا منافقانه در برگزاری چنین جشنها با آنان هم‌نوا می گردند و بدینگونه مجوسیان وزرشتیان عیدها و جشنهای مخصوص خود را داشته که از مشهورترین آنها عید مهرگان و جشن نو روز است.

پس موقف مسلمان در برابر برگزاری و تجلیل چنین جشنها از دیدگاه اسلام چه می باشد؟ پاسخ این سوال را در مبحث زیر بخوانید!

## ۲- حکم تجلیل اعیاد غیرمسلمانان:

از تحلیل و بررسی تاریخی که از اصل و منشأ نو روز و پیشینه تاریخی و تفصیل علل پیدایش آن به میان آمد بوضوح ثابت می گردد که نو روز هیچ ارتباطی به اسلام نداشته و تجلیل و برگزاری آن از دیدگاه اسلام برای مسلمانان به هیچ صورت درست و جایز نبوده و تجلیل آن از طرف مسلمانان تعبیر از خود باختگی و بی فرهنگی و دنباله روی آنان داشته و این کار درحقیقت تشبه و خود مانند سازی با کافران و پیروی از آنان و از هوا و خواهشات نفسانی و تقلید از رواجهای کهنه و فرسوده نسخ شده آنان است ، در حالی که الله جل جلا له

مسلمانان را از پیروی و دنباله روی غیر مسلمین منع نموده می فرماید: " ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلِيَّ شَرِيحَةً مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ".<sup>(۱)</sup>

ترجمه: سپس ما ترا ای پیغمبر بر برنامه و راه روشنی از دین قرار دادیم پس از آنان پیروی، کن و از هوسها و آرزوهای کسانی که نمیدانند پیروی مکن.

الله تعالی در آیات پیش از این از نعمتهای دینی و دنیایی که برای بنی اسرائیل ارزانی کرده خبر داده فرمود که آنها روی حسد و دشمنی میان خویش بعد از علم و آگاهی به اختلاف پرداختند، و درین آیه کریمه به پیغمبر صلی الله علیه وسلم دستور داد که راه روش و برنامه که ما ترا به آن فرستادیم بهترین برنامه و روش است که تو حتماً باید از آن پیروی نمایی، و از هواهای نفس و آرزوهای جاهلان بی علم پیروی نکنی!

ابن تیمیة رحمه الله گفته است: همه کسانی که در مخالفت با شریعت رسول الله قرار دادند در "الذین لا یعلمون" داخل اند و مراد از "اهوائهم" همه خواهشات

---

<sup>1</sup> - الحاشیة / ۱۸

و آرزو‌هایی است که آنرا می‌خواهند و به آنها دلچسپی دارند<sup>(۱)</sup>

بی‌تردید یهود و نصاری و مجوس و همه مشرکان در همه ادوار تاریخ آرزو داشتند و همواره آرزو دارند که مسلمانان به راه آنان بروند و از رسم و رواج و فرهنگ آنها که عبارت از أهواء آنها است پیروی کنند و الله تعالی مسلمانان را از چنین کار در چندین آیت منع فرموده است:

در سوره رعد آیه/۳۷/ فرموده است: " ولئن اتبعت أهوائهم بعد ما جاءک من العلم مالک من الله من ولي ولا نصیر".

ترجمه: و اگر تو از هوا و هوسهای آنان پس از دانشی که بتو آمده است پیروی کنی برای تو در برابر الله هیچ دوست و نگهبانی نخواهد بود... و در سوره بقره آیه/۱۲۰/ فرموده است: " ولئن اتبعت أهوائهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من الله من ولي ولا نصیر".

ترجمه: و اگر از آرزو‌های آنان پیروی کنی بعد از آنکه علم و آگاهی بتو رسیده است هیچ حمایت‌کننده و مددگاری از {عذاب} الله برایت نمی‌باشد.

<sup>۱</sup> - اقتضاء صراط المستقیم ص: ۳۰

و در همین سوره در آیه/۱۴۵ آمده است: "وَأَلِّينَ اتَّبَعْتِ  
اهْوَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ  
".

ترجمه: و اگر تو پس از آنکه علم و آگاهی برایت رسیده  
است از خواسته های آنان پیروی کنی مسلماً  
درینصورت تو از ستمگاران خواهی بود.

با مراجعه به نصوص قرآن و حدیث بر ملا می گردد که  
مسلمانان از پیروی هوا و هوسها و خواهشات کافران در  
قلیل و کثیر و در هر بیش و کم به وضاحت منع و باز  
داشته شده اند زیرا دین ازین رهگذر به فساد کشانده می  
شود چه فساد دین یا از راه اعتقاد باطل و ابراز آن در  
گفتار و یا به سبب عمل برخلاف اعتقاد حق، واقع می  
شود که اولی بدعت و دومی فسق عملی است که آن  
نخستین(بدعت) از ناحیه شبهات و این دومین (فسق  
عملی) از طرف شهوات است، از ینرو علمای سلف  
گفته اند: از دو نوع مردم پیرهیزید و خود را دور دارید:  
۱- صاحب هوا و هوس که هوا و آرزوهای نفسش او  
را در فتنه انداخته است.

۲- صاحب دنیا و ثروت که دنیا و مادیات او را کور  
گردانده است.

روی همین اصل اسلام مسلمانان را از پیروی غیر  
مسلمانان در مراسم عبادات، رسم و رواجها و جشنها

واعیادشان که درحقیقت همه ناشی از هوا وهوسهای آنها است به شدت منع فرموده است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم درحدیثی که ابو هریره از ایشان روایت نموده است فرموده اند: " لتأخذن أمتي مأخذ القرون قبلها شبراً بشبر وذراعاً بذراع، قالو فارس والروم؟ قال فمن الناس إلا أولئك؟

ترجمه : همانا امت من و جب به و جب و گز به گز راه ملت‌های پیش از خود را در پیش می گیرند ( و به راه آنان می روند یاران) گفتند : (آیا پیشینیان) فارسیان و رومیانند؟ فرمودند: آری فقط همانها ( فارسیان و رومیان) هستند.

این حدیث و امثال آن که به عبارتها و الفاظ مختلف و به سندهای متعدد آمده است در باب اخبار از وقوع چنین امری و برای نکوهش و سرزنش آنانی که چنین کار را می کنند وارد شده است.

و ازین نصوص بر می آید که مشابهت امت اسلامی با یهود و نصاری از آن مسائلی است که از طرف الله و پیغمبر سخت مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است و بلکه دلایل بیشماري از قرآن کریم و سنت رسول الله و اجماع و آثار و قیاس و اعتبار وجود دارد که مسلمانان را از همگونی با کافران اهل کتاب- یهود و نصاری- و غیر اهل کتاب مجوس و فارس و اهل الحاد سخت منع

نموده بلکه به مخالفت از آنان وجوباً و یا استحباباً فرا می خواند خواه مسلمانان قصد تشبیه و همگونی با کافران را از آن اعمال داشته باشند و یا نداشته باشند. درینجا لازم می بینم برای تو ضیح بیشتر انواع اعمال کافران را طی عنوان جدا گانه مورد بحث و بررسی قرار دهم.

#### انواع اعمال کافران

دانشمندان و محققان بدین اتفاق نظر دارند که کارها و اعمالی را که کافران انجام میدهند از سه نوع بیرون نیستند:

- ۱- نوعی که در دین ما مشروع بوده و در دین آنان نیز مشروع بوده است.
  - ۲- نوعی که قبلاً مشروع بوده و قرآن کریم آن را منسوخ کرده است.
  - ۳- نوعی که هیچگاه مشروع نبوده آنرا خودشان اختراع و ایجاد کرده اند
- اما نوع اول: یعنی آن اعمالی که در هر دو شریعت روا بوده و یا در شریعت اسلامی روا بوده و آنها نیز آنرا انجام میدهند این نوع اعمال چون روزه روز عاشورا و یا اصل روزه و نماز و امثال آنها، در چنین اعمال مخالفت با آنان در کیفیت و صورت آن عمل مطلوب است

به همین لحاظ رسول الله صلی الله علیه وسلم روزه تاسوعا ( یعنی روز نهم ماه محرم ) را مشروع قرار دادند، و در افطار روزه بصورت عام به تعجیل و در سحری به تأخیر بخاطر مخالفت با یهود دستور دادند، و از همین قبیل فرموده اند: " با کفشهایتان نماز بخوانید و با یهود مخالفت کنید. ببیند قضیه مخالفت با کافران مخالفت با آنانی که در عقیده و فکر با مسلمانان مخالفت دارند و به جای عقیده توحیدی شرک و الحاد و کفر را برگزیده اند و آنرا به حیث یک نظام و سیستم پذیرفته اند مخالفت با آنان در هر صورت مطلوب و از اهمیت برخوردار است.

قسم دوم یعنی آن اعمالی که در ادیان پیشین مشروع بوده ولی در اسلام به کلی منسوخ شده است مانند حکم " یوم السبت " ( یعنی روز شنبه ) و امثال آن که چنین اعمال در اسلام نسخ شده و از موافقت با آنها به حساب آمده و یا بر آنان حرام بوده که به عاداتشان ارتباط و تعلق داشته است، بناءً برای هیچ فرد مسلمانی جائز نیست که از روی دینداری و برای ثواب از خوردن چربی و حیوانات ناخندار امتناع ورزد چه درین کار نوعی تشبیه و خود همگون سازی با یهود است

و بدین سان از موافقت و همانندی با آنان در آن اعمالی آنها که مرکب از عادت و عبادت است نیز منع آمده است

چون تجلیل و برگزاري عيد وجشنهائي كه بر آنان در شريعتشان مشروع بوده است، و اعياد مشروع آنها از لحاظ اينكه در آنها نماز، ذكر و صدقه و چيزهاي ديگري عبادتي است جنبه عبادت را با خود داشته و بخاطر اينكه در آنها به توسع در خوراك و لباس و ترك اعمال و بازيها و انواع لعب اجازه داده شده است جنبه عادت را به خود گرفته است.

ازينرو رسول الله صلي الله عليه وسلم ابوبكر رضي الله عنه را آنگاه كه دو دخترك را از خواندن سرود در خانه رسول الله صلي الله عليه وسلم باز داشت منع نموده فرمودند: « دعهما يا ابوبكر فان لكل قوم عيداً وأن هذا عيدنا»<sup>(1)</sup> اي ابوبكر اينها را بگذار { تا به سرودشان ادامه دهند} چرا كه هر قومي عيدي دارند و اين {امروز} عيد ماست. بنا برين موافقه با كافران درچنين عبادات و عادات نسخ يافته بدتر و زشتتر از موافقه در آن اعمايي است كه در اصل مشروع بوده است، ازينرو علما موافقه آنان را درچنين اعمايي حرام قطعي و درنوع اول مكروه ميدانند. اما موافقت آنان در نوع سوم اعمال يعني در آن عادات و عبادتي كه خود احداث کرده اند از همه بدتر

<sup>1</sup> - متفق عليه.

وقبیح تر است، چرا که مسلمانان اگر خودشان چیزی را در دین احداث وابتداع نمایند قطعاً نا درست و زشت بوده وبنام بدعت قبیح و زشت مردود، و سزاوار عمل نیست چه رسد آنکه آن عمل در هیچ دینی مشروع نبوده و هیچ پیغمبری آنرا مشروع قرار نداده و کافران خود ایجاد کرده باشند؟! بدون شک موافقه با آنان در چنین اعمالی سخت زشت و ناروا و حرام قطعی می باشد.

این مسئله درین باب یک اصل بس نهایت مهمی است که باید آنرا دانست، واصل دیگر اینکه هر عبادت و عادت که مسلمانان در آنها با کافران مشابهت و همانندی می نمایند از جمله محدثات و بدعتهای ناروا در حق امت اسلامی است، پس آن همه دلایل و شواهدی از کتاب الله و سنت رسول الله و اجماع امت که بر زشتی و قباحت بدعت دلالت دارند دلالت شان به زشتی و قباحت این امور بیشتر و رساتر و واضحت است.

خلاصه اینکه این موافقت و مشابهت مسلمانان با کافران از یکطرف بدعت ناروا در دین و از طرف دیگر مشابهت با غیر مسلمانان است که نهی قاطع در هر دو مورد از

طرف شریعت اسلامی وارد واز ارتکاب آنها شدیداً منع آمده است<sup>(۱)</sup>

#### نتیجه مطلب فوق

اینک در روشنائی این بحث واز پرتواین اصول بیابید بنگریم که نوروز در کدام یک ازین سه نوع اعمال داخل است؟

با دقت به کیفیت و صورت حال نو روز و با مطالعه پیشینه تاریخی آن قطعاً می توان گفت که نو روز از نوع سوم بوده یعنی از جمله آن اعمالی است که در هیچ یک از شرایع آسمانی مشروعیت نداشته و تجلیل و برگزاری آن به حیث یک جشن و عید در هیچ یک از کتابهای آسمانی نیامده و دلیلی بر رو بودن آن بحیث یک عادت و یا عبادت وجود ندارد، بلکه به شهادت تاریخ از بدعتهای مجوس و زردشت است که از زمانهای دراز بدینسو به حیث یک عمل ملامال از خرافه و مملو از فساد و ناروائیها در میان مردم ایران زمین انتشار یافته و بعدها به مناطق همجوار آن بویژه در میان مردمان تاجک و فارسی زبان انتقال یافته و به صورت جشن ملی

<sup>۱</sup> - اقتضاء صراط المستقیم :- صفحه ۲۰۸ - ۲۱۰ باتصرف.

تجلیل و برگزار می‌گردد که نظامهای فاسد و حکومت‌های وقت در تقویه و انتشار آن نقش خود را داشته‌اند خلاصه اینکه نوروز گذشته از آنکه ارتباطی به اسلام نداشته بلکه موافقه و پیروی و تقلید و همگونی با کافران بوده و تجلیل و برگزاری آن از طرف مسلمانان از نارواییهای رواج یافته و از حوادث و بدعت‌های دخیل و بیگانه در میان مسلمانان است و برای حرمت و ناروا بودن آن اگر هیچ دلیل دیگری ارائه نداریم همین دلیل حرام بودن تقلید و پیروی و مانند سازی خود به کافران کافی است،

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: « من تشبه بقوم فهو منهم ». (به روایت احمد، ابوداود و طبرانی) ترجمه: هرکس از قومی تقلید و پیروی می‌کند از جمله همان قوم و در زمره آنها است. این حدیث حرام بودن مطلق تقلید و همانندی با کافران را افاده می‌کند و هکذا فرموده رسول صلی الله علیه وسلم " خالفوا المشرکین " (۱) - با مشرکان مخالفت نمایید. نیز وجوب مخالفت با آنانرا می‌رساند و این نصوص بصورت عام این مطلب را افاده می‌کند که در پیروی و موافقه اهل

<sup>1</sup> - بخاری در الصحيح شماره ۵۸۹۳ جزء حدیث دراز است.

کتاب وسائر مشرکان وکافران در آن کارهای که از دین ما نیست فساد بزرگی نهفته بوده بلکه در مخالفت آنها مصلحت اسلام وامت اسلامی مکنون و مضمهر است. دلایل فوق بصورت عامتر عدم جواز همانندی و موافقت به همه اعمال کافران را افاده می کند اما بصورت خاصتر راجع به تجلیل و برگزاري اعیاد کافران دلایلی از کتاب وسنت و آثار سلف وجود دارد که حرمت وعدم مشروعیت آنها برای مسلمانان ثابت می سازد:

دلایلی از قرآن کریم به حرمت برگزاري اعیاد کافران...

الله تعالی در سورة الفرقان آیه ۷۲/می فرماید: «والذین لا یشهدون الزور و اذا مروا باللغو مروا کراما» ترجمه و {بندگان خاص رحمن} کسانیند که بناحق گواهی نمیدهند و چون با لغو و کارهای بیهوده برخورد کنند بزرگوارانه از آن می گذرند ابوبکر خلال در جامع به سندش از محمد بن سیرین در تفسیر این آیه کریمه: «والذین لا یشهدون الزور» روایت نموده گفته است: مراد از «زور» «شعائین» (۱) (یعنی عید) نصاری است که آنها روز یکشنبه بر پا میدارند و می پندارند که این روز، روز ورود عیسی به بیت المقدس است.

<sup>1</sup> - اقتضاء صراط المستقیم صفحه: ۲۱۲.

و همچنین از مجاهد و ربیع بن انس روایت شده که گفته اند: «زور» عبارت از اعیاد مشرکان است. و ابویعلی یکتن از علمای تفسیر و حدیث نیز چنین عنوانی وضع کرده است: «مسألة في النهي عن حضور أعياد المشركين» مسأله در بیان ممنوع بودن حضور یابی در جشنهای مشرکان و بدینگونه از ضحاک روایت شده که «زور» را درین آیه به اعیاد مشرکان تفسیر کرده است و هم از عمرو بن مرة روایت شده که گفته است: «لا يشهدون الزور» یعنی با مشرکان در شرک شان موافقت و همراهی نمی نمایند. و نیز از عطاء بن یسار روایت شده که عمر رضي الله عنه گفته است: «إياكم ورطانة الأعاجم وأن تدخلوا علي المشركين يوم عيدهم في كنائسهم» زینهار بازبان عجمی سخن نگوئید و بر عبادتگاههای مشرکان روزهای جشن شان مروید<sup>(۱)</sup>

«زور» از لحاظ لغت هر آن چیزی را گویند که در ظاهر زیبا و خوشنما در حالی که حقیقتش خلاف آن است، اعیاد و جشنهای مشرکان که شباهت و شهوات و بیهودگیها و فساد و خرافات بی شماری را با خود دارد

<sup>1</sup> - روز عید نصاری معجم الوسیط ج ۱/۸۸.

هیچ سود و نفع آخروی در آن مرتب نبوده تنها لذت زود گذری است که سرانجام به تباهی و هلاکت منتهی می گردد، و بدین لحاظ "زور" خوانده شده است. نا گفته نماند که راجع به تفسیر « زور » اقوال دیگری چون شرک یا بتی که در جاهلیت بوده و یا مجالس فحشاء و یا موسیقی و ساز و سرودی و غیره از برخی از تابعین نقل شده است که در حقیقت این تفسیرها باهم مخالفت ندارد چرا که عادت علمای سلف است گاهی کسی از ایشان نوعی از انواع مسمی را بخاطر ضرورت شنونده به آن، و به خاطر تشبیه برجنس یاد آور می شود. یعنی اسمی که برچندین مسمی دلالت دارد برخی از مفسران یک مسمی و برخی دیگر مسمای دیگری را در تفسیر آن اسم اختیار می کند.

الله تعالی در این آیه کریمه ترک حضور به این اعیاد را که مجرد مشاهده و استماع است مورد مدح و وصف قرار داده است این خود دلالت بر آن دارد که این کار (یعنی حضور) نزد او مذموم و نکوهش شده است و هرگاه با حضوریابی موافقت و تقلید آنان متصور باشد قطعاً حرمت و عدم جواز شدت می یابد.

دلالتی از سنت به حرمت برگزار ی و تجلیل اعیاد کافران:

احادیث زیادی درین مورد وارد است که یا صراحتاً و یا اشاره به عدم جواز جشن گیری اعیاد کافران و مشرکان دلالت دارد که اینک ذیلاً به ذکر برخی ازین احادیث می پردازیم:

اولاً: عن انس قال: قدم رسول الله صلي الله عليه وسلم المدينة ولهم يومان يلعبون فيهما فقال ما هذان اليومان؟ قالوا: كنا نلعب فيهما في الجاهلية فقال رسول الله صلي الله عليه وسلم ان الله قد أبدلكم بهما خيراً منهما يوم الأضحى ويوم الفطر<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: از انس { بن مالک } رضي الله عنه روایت شده که گفته است: رسول الله صلي الله عليه وسلم به مدینه قدم فرما شدند و اهل مدینه دو روزی داشتند که در آنها به بازی می پرداختند، رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمودند: اینها چه دو روزی اند؟ گفتند: ما در جاهلیت درین دو روز به بازی و ساعت تیری می پرداختیم، رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمودند الله تعالی این دو روز را برایتان به دو روزی بهتر از آنها که روز عید قربان و روز عید فطر است تبدیل کرده است.

<sup>1</sup> - ابو داود در " السنن " شماره: ۱۱۳۴ و مسند احمد ج ۳ - ص ۱۰۳ و ۲۳۵ حدیث صحیح است، و سنن نسائی: ج ۳ ص ۱۷۹.

ازین حدیث دانسته شد که رسول الله صلی الله علیه وسلم اهل مدینه را برآن دو روز جاهلیت وانگذاشتند که طبق عادت به بازی و لهو در آن بپردازند بلکه فرمودند: الله تعالی به جایی آن روز، دو روز بهتر از آنها را به شما داده است و جمله : (قد أبدلکم الله بهما خیراً) مقتضی آنست که جمع میان هر دو {یعنی اعیاد اسلامی و دو روز عیدین جاهلیت درست نیست} ناگفته نماند که این دو روز عید جاهلیت در اسلام بکلی از میان رفت و اثری از آن در زمان رسول الله و نه در زمان خلفای راشدین باقی نماند و هر گاه رسول الله صلی الله علیه وسلم مردم را از بازی و لعب که در آن دو روز انجام میدادند منع نمی نمودند قطعاً مردم بر عادت خویش باقی میمانند چرا که عادات بدون تغیر دهنده قوی که آنرا از میان بردارد تغیر نمی یابد ازینرو بسا از زمامداران و لیدران از نقل مردم از عادات و تقالید شان در جشنها و عیدهای شان عاجز آمده اند، و اگر مانع قویی از رسول الله صلی الله علیه وسلم بدین رابطه نمی بود بی تردید این عادت باقی می ماند لذا این نتیجه بدست می آید که مانع قویی از جانب رسول الله صلی الله علیه وسلم در زمینه ثابت و موجود بوده است و هر آنچه را که رسول الله صلی الله علیه وسلم به قوت منع نموده باشند حرام و ناجائز است.

دوم : حدیثی که ابو داود به سندش از ثابت بن ضحاک روایت نموده که گفته است: « نذر رجل علی عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم أن ینحر إبلاً ببوانة فأتی النبی صلی الله علیه وسلم فقال: إني نذرت ان أنحر إبلاً ببوانة، فقال النبی صلی الله علیه وسلم هل کان فیها وثن من أوثان الجاهلیة یعبده؟ قالوا: لا، قال فهل کان فیها عید من أعیادهم؟ قالوا: لا، قال: فقال النبی صلی الله علیه وسلم أوف بنذرك فإنه لا وفاء لنذر فی معصية الله، ولا فیما لا یملك ابن آدم<sup>(۱)</sup> .

ترجمه: مردی در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم برخود نذر نمود که شتری را در منطقه « بوانه» ذبح کند. لذا نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد وگفت: من برخود نذر کرده ام که شتری را در بوانه نحر نمایم، پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: آیا در آنجا بتی از بتهای جاهلیت پرستیده می شد؟ گفتند: نه خیر، فرمودند: آیا در آنجا جشنی از جشنهای آنان برگزار می شد؟ گفتند: نی هرگز،

آنگاه پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: به نذر خویش وفا کن! البته برای آن نذری که در نافرمانی از

<sup>1</sup> - سنن ابی داود شماره حدیث ۳۳۱۳ و حدیث صحیح است.

الله بوده و یا در آنچه که انسان مالک آن نباشد اصلاً وفایی لازم نیست.

راجع به وجه دلالت این حدیث به مطلب مورد بحث امام ابن تیمیة چندین وجوه را ذکر نموده است که ما با تصرف و اختصار ذیلاً به ذکر آن می پردازیم:

این حدیث به چندین وجه دلالت بدین دارد که ذبح در جای عید اهل جاهلیت و محل بتهای شان نافرمانی و معصیت از الله تعالی می باشد و این وجوه :

۱- در جمله { فأوف بندرك } فاء برای تعقیب وصف به حکم است و این دلالت بر آن دارد که وصف سبب حکم است لذا سبب امر به و فاء ، خالی بودن نذر ازین دو وصف است بناءً وجود این وصف مانع از وفاء است و اگر گناه و معصیت نمی بود وفاء به آن جایز بود.

۲- در پایان حدیث آمده است: « لا وفاء لنذر في معصية الله » برای نذری که در معصیت الله باشد اصلاً وفایی نیست و البته این جمله عام است و صورت پرسیده شده درین عام داخل است و اگر داخل نباشد کلام بی ارتباط است و اصل وفاء به نذر معلوم است ازینرو رسول الله صلی الله علیه وسلم صورتی را روشن ساختند که در آن وفاء نیست، و اصولاً لفظ عام هر گاه بر سببی وارد شود ناگزیر سبب در آن مندرج است.

۳- هرگاه ذبح در جاي عيد و جشن مشركان جائز مي بود رسول الله صلي الله عليه وسلم براي آن نذر کننده و فاء براي آن را اجازه ميدادند طوري كه برآن زني كه نذر نموده بود كه برسر رسول الله صلي الله عليه وسلم دف بزند وفا را اجازه دادند (۱).

و چون در احاديث لفظ "عيدهم" در نسبتش به جاهليت وهم به اسلام تكرر يافته است ناگزيريم به توضيح معنا ومدلول ومصداق آن حسب اطلاقات شرع بپردازيم .

#### توضيح معنای عيد

عيد نام آن گردهماني عمومي است كه به شكل معتاد تكرر مي گردد چه به تكرر سال يا تكرر ماه و يا هفته وامثال آن باشد.

ازينرو عيد اعمال و كارها واموري ذيل را در بر گرفته وبه هريك از آنها اطلاق مي گردد:

۱- روزي كه تكرر مي يابد چون روز عيد فطر وروز جمعه.

---

<sup>1</sup> - سنن ابي داود شماره حديث ۳۳۱۳ وحديث صحيح است.

- ۲- اجتماع وگردهمایی که در آن روز صورت می گیرد .  
 ۳- اعمالی از نوع عبادات ویا عاداتی که با هم جمع می شوند.  
 ۴- وگاهی عید به نام جای و مکان مشخصی اختصاص می یابد.

گاهی هر یک از این امور فوق الذکر را به تنهایی آن عید گفته می شود واطلاق عید بر زمان ووقت درین فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده که در مورد روز جمعه فرموده اند: « إن هذا يوم جعله الله للمسلمين عيداً »<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: این روز، روزیست که الله تعالی آنرا برای مسلمانان عید گردانده است. واطلاق عید برای اجتماع واعمال ازین قول ابن عباس رضی الله عنه دانسته می شود که گفته است: « شهدت العيد مع رسول الله صلی الله علیه وسلم<sup>(۲)</sup> یعنی: در اجتماع عید با رسول الله صلی الله علیه وسلم حضور بهم رساندم.

---

1- صحیح جامع الصغیر شماره حدیث ۲۲۵۸ .  
 2- مجمع الزوائد: ۲۴/۴

واطلاق عید برای مکان و جای ازین حدیث بدست می آید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: «لاتتخذوا قبوري عیداً»<sup>(۱)</sup>.

قبر مرا عیدگاه بر نگیرید! وبساکه لفظ «عید» نامی مجموعی از روز و عملی است که در آن صورت می گیرد و غالب استعمال عید به همین معنی آمده است چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دعهما یا ابابکر فان لكل قوم عیداً، وان هذا عیدنا» (بخاری و مسلم).

ترجمه: ای ابوبکر این دختران غزلخوان را بگزار چراکه هر قوم و مردمی عیدی دارند و البته امروز عیدما است.

و فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم: «هل بها عید من أعیادهم؟» آیا در آنجا عیدی از اعیاد شان بوده است، مقصود

اینکه آیا در آنجا گردهمایی از گردهمایی های عادی شان که در نزدشان عید است صورت می گرفته است؟ و چون در پاسخ گفت: نه خیر! رسول الله صلی الله علیه

۳- مسند احمد بن حنبل: ۳۶۷/۲ - مصنف ابن ابی شیبة ج: ۳۷۵/۲، ۳۴۵/۳ - مصنف عبدالرزاق: ۶۷۲۶ -

وسلم فرمودند: به نذرت وفا کن! و این سیاق مقتضایی آنست که بودن قطعه زمین جایی و مکان جشن مشرکین مانع ذبح در آنجا است و اگر چه ذبح در آنجا را نذر هم نموده باشد. و می شود که علت نهي را در نقاط ذیل خلاصه کرد:

أ. بخاطر اینکه از آن تعظیم و بزرگداشت جایی و مکانی می آید که مشرکان آنجا را با برگذاری جشن و عید خویش تعظیم می نمایند.

ب. و یا بخاطر اینکه در برگذاری جشن در آنجا با مشرکان مشارکت و همسازی بمیان می آید.

ج. و یا بدین خاطر که شعار عید مشرکان در آنجا احیاء می گردد باید درینجا دقت نمود که شارع تا چه سرحد می خواهد که مسلمانان را از آلوده شدن به کمترین چیزی از امور و کارهای کافران دور دارد که درجای عید و جشن آنان وفا به نذر را ملغی قرار داده تا مشارکت با آنان در احیای شعائر شان بمیان نیاید چه رسد که مسلمانان جشن آنان را جشن خویش قرار داده و به تجلیل و برگذاری آن اموال هنگفت و وقت پرازش خویش را بدون فائده به مصرف برسانند؟!!

و هم باید دانست که حدیث فوق الذکر و احادیث دیگری دلالت برین دارند که مردم در جاهلیت اعیادی داشته اند که در آنها باهم گرد آمده به تجلیل و برگذاری می پرداخته

اند و هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم مبعوث شدند الله تعالی آنها را از میان برد و چیزی باقی نماند و هرگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم منع نمی فرمودند بی تردید مردم این اعیاد جاهلی خویش را ترک نمی کردند چه کارهایی که در اعیاد صورت می گیرد طبیعت انسانی با آنها گرایش و تمایل دارد و بویژه در جشنهای جاهلی و باطل که بازیها و ملذات نفسی طبق هوا و هوس در آنها بیشتر و زیاد تر است و هرگاه باعث و انگیزه قوی موجود باشد: بدون مانع قوی از میان نمی رود.

و این اصل افاده می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم امت خویش را از اعیاد کافران به شدت منع نموده و برای از میان برداشتن آن قاطعانه فرمان صادر کرده اند.

سوم- حدیثی که عائشه رضی الله عنها روایت میکند: « دخل علي ابوبكر وعندي جاريتان من جوارى الأنصار تغنيان بما تقاولت به الأنصار يوم بعث، قالت وليستا بمغنتين، فقال ابوبكر: أ بمزموه الشيطان في بيت رسول الله صلي الله عليه وسلم؟ وذلك يوم عيد، فقال رسول الله

صلي الله عليه وسلم ان لكل قوم عيداً و هذا عيدنا، وفي رواية: يا ابا بكران لكل قوم عيداً وان عيدنا هذا اليوم<sup>(1)</sup>» ترجمه: ابوبکر {رضي الله عنه} درحالی به خاتمه ام آمد که دو دختری از دختران انصار در نزد آن سرودي را که انصار در جنگ باعث گفته بودند زمزمه مي کردند، و در حالی که آنان سرایندهگان و موسیقی نوازان نبودند، ابوبکر گفت: آیا نای و سرود شیطان در خانه رسول الله صلي الله عليه وسلم است؟ و آن روز، روز عید بود، رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمودند: هر مردم و گروه عیدی دارند و امروز عید ما است، و در روایت دیگری آمده است ای ابوبکر هر گروهی را عیدی است و البته عید ما امروز است.

درین حدیث به چندین نقاط باید دقت کرد:

۱- جمله: «ان لكل قوم عيداً و هذا عيدنا» ایجاب مي کند که هر قوم عید و جشن ویژه خود را دارند چرا که «لام» اختصاص را افاده مي کند، بناءً یهود و نصاری عید بخصوص خود را دارند که ما با آنان در آن شرکت نمی نماییم، طوریکه در شریعت و قبله شان با آنها مشارکت

<sup>1</sup> - صحیح البخاری شماره حدیث: ۹۵۲، ۳۹۳۱ و صحیح مسلم شماره حدیث ۸۹۲

نداریم. و اینچنین آنانرا نمی گذاریم که با ما در عیدمان شریک شوند.

۲- لفظ: «و هذا عیدنا» مقتضی آنست که عید مسلمانان درین روز انحصار یافته است بناءً مسلمانان غیر از آن عید دیگری ندارند.

و اینچنین در لفظ: «و ان عیدنا هذا الیوم» که تعریف به لام و اضافت است افاده می کند که عیدما مسلمانان منحصر در جنس چنین روز است و هدف رسول الله صلی الله علیه و سلم حصر در عین آن عید و یا نفس آن روز نیست بلکه اشاره به جنس مشروع است طوریکه فقهاء می گویند: باب صلاة العید، ولا يجوز صوم يوم العید» و درین عبارات هر دو عید مندرج است.

۳- رسول الله صلی الله علیه و سلم در بازی دختران و دف زدن و سرود خوانی به آنان به این تعلیل اجازه دادند که هر قوم عیدی دارند، و البته امروز عیدما مسلمانان است».

و این سیاق می رساند که رخصت و اجازه سرود و بازی بدان خاطر حاصل است که عید مسلمانان است و این اجازه و رخصت به اعیاد کافران نمی رسد ازینرو درست نیست که در اعیاد کافران مسلمانان به لعب و اظهار خوشحالی بپردازند زیرا عبارت: «ان لكل قوم عیداً وان هذا عیدنا» تقاضا دارد که علت رخصت آنست که هر قوم عیدی دارند

و این عید ما مسلمانان است، و این علت به مسلمانان اختصاص یافته است ازینرو برای مسلمانان جایز نیست که در هر عید و جشن مردم آن لعب و بازی را انجام دهند که در عید مسلمانان انجام میدهند و مطلوب هم همین است<sup>(۱)</sup>

۴- حدیثی است که کریب مولای ابن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که گفته است: «أرسلني ابن عباس وناس من اصحاب النبي صلي الله عليه وسلم إلي ام سلمة رضي الله عنها، أسألها: أي الأيام كان النبي صلي الله عليه وسلم أكثر صياماً؟ قالت كان يصوم يوم السبت ويوم الاحد اكثر ما كان يصوم من الأيام ويقول:» انهما يوما عيد للمشركين وأنا أحب أن أخالفهم<sup>(۲)</sup>

ترجمه: {کریب می گوید} ابن عباس و تعدادی از یاران پیغمبر صلی الله علیه و سلم مرا به نزد ام سلمه رضی الله عنها فرستادند تا از او بپرسم که کدام روزها را رسول الله صلی الله علیه و سلم بیشتر روزه می گرفتند؟ ام سلمه

<sup>1</sup> - برای تفصیل این مطلب اقتضاء صراط المستقیم ص ۲۱۰ و ما بعد آن را بخوانید .

<sup>2</sup> - مسند احمد: ج ۶ ص: ۳۲۳، ابن خزیمه شماره حدیث: ۲۱۶۸ و ابن حبان شماره ۹۴۱ و حدیث را ابن قیم در زاد المعاد حسن خوانده است زاد المعاد ج ۲، ص: ۷۸ و به سند صحیح نزد ترمذی شاهی دارد، و با حدیث ام سلمه که در آن از روزه روز شنبه نهی آمده / تعارض ندارد زیرا مقصود از نهی تنها ساختن آن به روزه است چراکه آن روزیست که یهود آنرا تعظیم می نمایند.

گفت: بیشترین روزهایی را که رسول الله صلی الله علیه وسلم روزه می داشتند روزهایی شنبه و یکشنبه را روزه گرفته و می گفتند: اینها روزهای عید مشرکان است و من دوست میدارم که با آنان مخالفت نمایم .  
و این حدیث نص صریح و واضحی راجع به مخالفت با مشرکان در عیدها و جشن های آنها است.

آثاری از صحابه و سلف راجع به مخالفت مشرکان در اعیاد و جشنهای شان

۱- از عطاء بن دینار روایت شده که گفته است: قال عمر: « ایاکم و رطانة الأعاجم وأن تدخلوا علي المشركين يوم عيدهم في كنائسهم » (بیهقی در السنن الکبری: ۲۳۴/۹). ترجمه: عمر رضی الله گفته است: از حرف زدن بازبان عجمی و از داخل شدن در عبادتگاههای مشرکان در روز عیدشان اجتناب نمایند.

۲- و بیهقی به سند صحیح در « السنن الکبری » در « باب کراهة الدخول علي أهل الذمة في كنائسهم والتشبه بهم يوم نيروزهم ومهر جاتهم » به سند متصل از عمر رضی الله عنه روایت می کند که گفته است: « لا تعلموا رطانة الأعاجم

ولا تدخلوا علي المشركين في كنائسهم يوم عيدهم فان  
السخطة تنزل عليهم<sup>(۱)</sup>»

ترجمه: تکلم به زبان عجمي را نياموزيد  
ودر عبادتگاهاي مشرکان در روز عيدشان داخل نشويد  
چرا که خشم (الهي) براي شان فرو مي ريزد.

۳- وهمچنان بيهقي از عبدالله بن عمرو روايت نموده که  
گفته است: «من بني ببلاد الأعاجم وصنع نيروزهم ومهر  
جانهم وتشبه بهم حتي يموت وهو كذلك حشر معهم يوم  
القيامة<sup>(۲)</sup>»

ترجمه: هر که در شهرهاي کافران بناي نهاد و {خوراک}  
نو روزي ومهرگاني آنانرا ساخت وبا ايشان خويشتن را  
همانند کرد تا اينکه مرگ به سراغش رسيد واو بدین حالت  
بود، روز قيامت با آنها يکجا حشر مي شود.

۴- ونيز بيهقي به سندش از عمر بن الخطاب رضي الله  
عنه روايت نموده که گفته است: «اجتنبوا أعداء الله في  
عيدهم<sup>(۳)</sup>» يعنى: از دشمنان الله تعالي در عيد وجشن  
هاي شان کناره گيري کنيد.

1- السنن الكبرى: ۹ / ۲۳۴ ومصنف عبدالرزاق: ۱ / ۴۱۱

2- السنن الكبرى: ج: ۹ ص: ۲۳۴

3- السنن الكبرى: ج: ۹ ص: ۲۳۴

۵- وهم از محمد بن سيرين روايت شده كه گفته است: «أتى علي يمثل النيروز فقال ما هذا؟ قالوا يا أمير المؤمنين هذا يوم النيروز، قال فاصنعوا كل يوم فيروزاً قال أسامه: كره رضي الله عنه ان يقول: النيروز»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: به علي رضي الله عنه به مانند طعام نو روزي خوراكي آوردند، علي گفت: اين چيست؟ مردم گفتند: اي امير المؤمنين! امروز، روز نوروز است، علي رضي الله عنه گفت: هر روز فيروزي بسازيد، اسامه مي گويد: علي رضي الله عنه ناخوش داشت كه «نيروز» بگويد. آثار فوق به مسائل ذيل دلالت دارد:

- ۱- مكروه وحرام است كه روزي را به عيدي تخصيص داد كه در شريعت چنين تخصيص نيامده باشد.
- ۲- حرام بودن ورود مسلمانان به عبادتگاهاي مشركان در روزهاي عيدشان.
- ۳- ممنوع بودن ملاقات واجتماع با ايشان در روزهاي عيد وجشن شان.
- ۴- مشاركت با مشركان در نو روز ومهرجان شان ومشابهت با آنان موجب دخول دوزخ است.

<sup>۱</sup>- السنن الكبرى: ج: ۹ ص: ۳۳۵

۵- واثر علي رضي الله عنه كه موافقت مشركان را در نام روز عيد شان ناپسند و ناخوش خوانده است ميرساند كه موافقت مشركان درين عمل سخت حرام و ناجائز است.

اقوال فقهاء و علماء درباره تجلیل نو روز  
 دانشمندان علوم اسلامی اعم از محدثان و فقها و اهل  
 تفسیر راجع به نو روز و حرمت تعظیم و بزرگداشت عید  
 نو روزی و همه اعیاد مشرکان بصورت خیلی واضح  
 نظریات و افکار خویش را مبتنی بر اصول اسلامی اظهار  
 کرده اند که اینک به ذکر برخی از آنها می پردازیم:

۱- علامه شاه ولی الله دهلوی در کتاب پرارجشن  
 «حجة الله البالغة» راجع به فلسفه تبدیلی اعیاد جاهلی  
 می نگارد: تبدیلی آنها فقط به این خاطر بود که هیچ  
 عیدی بین مردم نبوده مگر اینکه سببش بالا بردن شعایر  
 دینی بوده است و یا موافقت به امام بر مذهبی و یا شبیه  
 آن پس رسول الله صلی الله علیه وسلم احساس خطر کرد  
 که اگر مردم به عادت قبلی خودشان آزاد گذاشته شوند  
 شعایر جاهلیت ارزش پیدا می کند، و یا روش  
 گذشتگانشان ترویج می یابد، بدین ملحوظ آن دو روز را  
 به دو روز دیگر تبدیل نمود که درین دو روز شعایر آیین  
 حنیفیت بالا رفت و همراه با تجمل و آرایش ذکر الله وجود

داشت تا اجتماع مسلمانان تنها براي لهو و لعب نبوده و هيچ اجتماع ايشان خالي از اعلان كلمة الله نباشد<sup>(۱)</sup>.

۲- علامه ملا علي القاري از علما و محدثين حنفي چنين مي نگارد: هر كه در روز نوروز تخمي را براي مجوسيان و آتش پرستان بحيث تحفه يا نوروزي تقديم كند كافر مي شود چرا كه مسلمان اين كافر را بر كفر و گمراهي اش كمك کرده است، ويا ازين لحاظ كافر مي گردد كه در هديه دادن از آنان تقليد نموده و خود را همانند آنها ساخته است، نو روزي دادن به مسلمان نيز داراي عين حكم است چرا كه {ميان هر دو امر} شباهت وجود دارد<sup>(۲)</sup>.

۳- ابو حفص كبير بخاري مي گويد: اگر مرد ي پناه سال الله تعالي را پرستش نمايد سپس تخمي را به عنوان نو روزي براي مشركان و مجوسيان تحفه بدهد و اراده اش تعظيم آن روز باشد بدون شك خودش به الله بزرگ كافر شده و عبادت پناه ساله اش برباد مي شود، و اگر براي مسلمان تحفه داد و اراده اش تعظيم نو روز نبود بلكه بر حسب عادت مردم انجام پذيرفت كافر نمي شود

۱- حجة الله البالغة ترجمة محمد يوسف حسين پور ج ۲ ص ۷۲-۷۳.

۲- شرح فقه اكبر ص ۳۲۹.

– لازم است که آن را قبل از آن یا بعد از آن بخاطر منتفی ساختن تشبیه انجام دهد<sup>(۱)</sup>.

۴- در مجمع النوازل آمده است که در شرح فقه اکبر از آن نقل شده است: موقعیکه مجوسیان در روز نوروز گردهم می آیند اگر مسلمانی بگوید: راه وروش وطریقه خوب وپسنیدیده را بنا نهاده اند کافر می شود چون عملی را که کافران بنانهاده اند مورد تحسین قرار داده که این تحسین متضمن تقبیح راه وروش وطریقه اسلام است.

۵- در فتاوی صغری آمده است: مسلمانی در نو روز چیزی را خرید که قبل از آن نمی خرید وهدفش تعظیم و بزرگداشت نو روز بود کافر می شود، چرا که عید کافران را مورد تعظیم واحترام قرار داده است. واگر این خریداری بصورت اتفاقی صورت پذیرد ونداند که امروز روز نو روز است کافر نمی شود وهمچنین اگر دانست که امروز روز نو روز است ولی آن را به مقصد دیگری چون آمدن مهمان وغیره خریداری نمود کافر نمی شود، شخصی در روز نو روز چیزی را به شخصی به هدف حرمت گذاشتن روز نو روز به عنوان هدیه وتحفه داد کافر می شود<sup>(۲)</sup>.

<sup>۱</sup>- زاد الفقیه تلخیص شامی ص ۷۹۰- الدرالمختار ۵ / ۵۳۲ ، الهندیة: ۶ / ۴۴۶ در المختار: ۵ / ۵۳۲.

<sup>۲</sup>- این مطلب را در شرح فقه اکبر ص ۲۳۰ بخوانید.

- ۶- در زاد الفقيه تلخيص شامي چنين آمده است: تقديم نمودن هديه و تحفه به عنوان نو روزي در روز نو روز و مهرگان حرام است و اگر مرادش تعظيم و احترام اين روز باشد همانگونه که مشرکان تعظيم مي کنند به الله تعالي کافر مي شود<sup>(۱)</sup>.
- ۷- در التتمه آمده است: شخصيکه در روز نوروز چيزي را مي خرد که جزا و کسي ديگري از مسلمين آن را نمي خرد کافر مي شود<sup>(۲)</sup>.
- ۸- و اينگونه امام احمد بن حنبل و قاضي ابويعلی از حضور يابي در جشنها و اعياد مشرکان بشدت منع کرده اند.
- ۹- امام ابوالحسن آمدی مشهور به « ابن البغدادي » در کتابش: « عمدة الحاضر و كفاية المسافر » فصلي را بدین نام: « لا يجوز شهود أعياد النصارى واليهود » گذاشته و در آن از احمد بن حنبل ممنوعيت حضور يابي به جشنهاي مشرکان را نقل کرده است.
- ۱۰- و بدین سان اقوال زيادي از فقها و علماء در مورد حرمت مشارکت با کافران در جشنهاي شان و بويژه در

---

۱- زاد الفقيه تلخيص شامي ص ۷۹۰  
 ۲- شرح فقه اكبر ص ۲۳۰ به نقل از التتمه

جشن های یهود و نصاری و مجوس و زردشت وارد است  
که این رساله گنجایش ذکر همه آنها ندارد.

### خاتمه

با این بر رسی مختصر پیرامون جشن نوروز و کیفیت برگزاری آن در افغانستان و به ویژه در ولایت بلخ هویدا می گردد که اصل این جشنواره به زردشت و مجوسیت بر می گردد و تاریخ آن روی افسانه ها و داستانهای که اکثر آنها اصل معتمدی ندارد به زمانه های جمشید و قبل از آن ارتباط می گیرد و هم این روز و تجلیل برگزاری آن در زمان ساسانیان از اهمیت خاصی برخوردار بوده و شاهان ساسان به کیفیت ویژه و خاص آنرا تجلیل می کرده اند، و تجلیل نوروز در میان زردشتیان یزد صورتیهای مختلف و متعددی داشته است و اختلاف در کیفیت یک عمل بیانگر آنست که آن کار از مصدر وحی سر چشمه نگرفته و زاده افکار و آراء ناقص بشر است که گاهی یک شکل و روزگاری شکل دیگری را می گیرد، و هم درین رساله توضیح گردید که مسلمانان جشنها و اعیاد خاص خود را دارند که آنها را با ذکر و یا د الله و با عبادت و شعائر مخصوص آن تجلیل و برگزار می کنند و برای آنان در آنروز در چوکات شریعت اسلامی برخی از لعب و بازیها و ساعت تیرهایی مجاز است و حق ندارند که جشنهای غیر اسلامی و اعیاد کافران را گرامی داشته از آنها تجلیل بعمل آورده و در خوشحالیها و بازیهای آنها همراهی و همسانی نمایند

وبلکه با دلایل از قرآن و سنت ثابت گردیده که برگزاري اعياد کافران براي مسلمانان حرام مطلق بوده بر آنها اجازه نيست که در تجليل اعياد کافران با آنان موافقت نمايند، بناءً نوروز نيز از روزهاي عيد مسلمانان نبوده و از جشنهاي مشروع براي آنان نمي باشد از ينيرو تجليل نوروز به صورت کنوني وبه شکل محلي اش در افغانستان وبويژه در ولايت بلخ در شهر مزارشريف سراسر با تعليمات و ارشادات اسلامي در مخالفت وتضاد قرار دارد لذا بوسيله اين رساله به مسلمانان که مي خواهند از تعليمات ديني شان پيروي و از ارشادات اسلام اطاعت نموده زندگي اسلامي داشته باشند توصيه مي گردد که از تجليل اين روز جداً خود داري نموده وبه تجليل وبرگذاري عيدهاي مسلمانان که عيد رمضان وعيد اضحي است اکتفا نمايند والبته مسلمانان در هر هفته نيز يک روز عيدي دارند که آن عبارت از روز جمعه است که در آن اهل يک قريه در يک مسجد جامع بزرگ باهم جمع شده و آنرا تجليل نموده وبه ادای عبادت نماز جمعه مشترکاً مي پردازند.

وطوریکه از اقوال سلف ونظريات فقهاء دانستيم تبادل هدايا وتحف ميان مسلمانان در روز نوروز به خاطر نوروز وببراي تجليل از آن نهايت خطرناک بوده به سرحد کفر مي کشاند لذا در زمينه نيز توصيه مي گردد

که برادران خطورت مسأله را دانسته از تقدیم هدیه و تحفه بنام نوروزی جداً خود داری کنند و حتی مبارکبادی دادن نوروز نیز نا جائز و حرام بوده و علماء سلف و فقهاء مذاهب آنرا حرام و ناجائز خوانده اند. این چند سطر بود که برایم نگارش آن میسر گردید خواستم که از باب دعوت الی الخیر و تصحیح عقیده و اصلاح طرز تصور ، آنرا به خوانندگان تقدیم دارم اگر به صواب باشم از فضل و لطف الهی است و اگر خطا رفته باشم از طرف من و شیطان است و الله و پیغمبرش از آن پاک و بری اند- و صلی الله تعالی و سلم علی خیر خلقه محمد و آله و صحبه و سلم.

## فهرست مراجع و مصادر

- ۱- القرآن الكريم
- ۲- برخی کتب تفسیر
- ۳- صحیح البخاری
- ۴- صحیح مسلم
- ۵- سنن ابی داود
- ۶- سنن نسائی
- ۷- مسند احمد بن حنبل
- ۸- صحیح جامع الصغیر
- ۹- مجمع الزوائد
- ۱۰- السنن الکبری للبیهقی
- ۱۱- مصنف عبدالرزاق
- ۱۲- مصنف ابن ابی شیبہ
- ۱۳- حجة الله البالغة
- ۱۴- شرح فقه اکبر/ ملا علی القاری
  
- ۱۵- معجم الوسیط
- ۱۶- ترتیب قاموس المحيط
- ۱۷- لغتنامه دهخدا
- ۱۸- فرهنگ عمید/ حسن عمید
- ۱۹- تاریخ تمدن اسلامی / جرجی زیدان

- ٢٠- نو روز دمجوسيان اختر/ زاهدى  
احمدزى
- ٢١- الآثار الباقية عن الأمم الماضية/ البيرونى
- ٢٢- المحاسن والأضداد
- ٢٣- بلوغ الأرب
- ٢٤- اقتضاء صراط المستقيم/ ابن تيمية
- ٢٥- زاد الفقيه تلخيص شامى
- ٢٦- الدر المختار
- ٢٧- الفتاوى الهندية
- ٢٨- برخى از مجلات ونشرات ديگر.

فهرست موضوعات

صفحه	موضوع پیشگفتار
۱	.....
۴	نوروز از دیدگاه تاریخ .....
۵	نوروز در افغانستان .....
۷	برگزاری نوروز در ولایت بلخ .....
۱۳	نظری پیرامون روضه .....
۱۸	ریشه لغوی و پیشینه تاریخی نوروز .....
۲۲	علل پیدایش نوروز .....
۲۷	جشن نوروز در عهد شاهان پیشین .....
۳۲	نوروز در بین زردشتیان یزد .....
۴۹	نتایج بحثهای گذشته .....
۵۲	نوروز از دیدگاه اسلام .....
.....	تمهید .....
۵۳	.....

صفحه	موضوع
۵۵	اعیاد مسلمانان و جشنهای شان.....
۵۸	حکم تجلیل اعیاد غیر مسلمانان.....
.....	انواع اعمال کافران.....
۶۴	نتیجه مطلب فوق.....
۶۹	دلیلی از قرآن به حرمت برگزاری اعیاد کافران.....
۷۲	دلالتی از سنت به حرمت برگزاری و تجلیل.....
۷۵	توضیح معنای عید.....
۸۱	آثاری از سلف راجع به مخالفت مشرکان در اعیاد و جشنهای شان.....
۹۰	اقوال فقهاء و علما در باره تجلیل نوروز.....
۹۴	خاتمه
۹۹	.....
	فهرست
۱۰۳	مراجع.....
	فهرست
۱۰۵	موضوعات.....